

ای جلاد، ننگت باد!

اعدام فدایی قهرمان، رضی الدین تابان و تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی ایران - چشم و نفرت بشریت مترقی از رژیم خمینی را اوج تازه ای داد

کمیته مرکزی سازمان، همراه با بیش از پنجاه نفر دیگر از کادرها و فعالین جنبش انقلابی ایران، در اواسط سپتامبر سال جاری، به جوخه اعدام سپرده شده اند.

مابدینوسیه مراتب تاش و تالم عمیق خود را به مناسبت فقدان رضی الدین تابان اعلام می داریم.

ما معتقدیم که این چنین جنایاتی از سوی رژیم جمهوری اسلامی ایران نتوانسته و نخواهد توانست مانع مبارزات عادلانه شما در راه بهروزی و سعادت مردم ایران گردد.

همچنین دکتور سرجان ناگمن عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی، حزب کمونیست کارگری سوئد، به اریکسون مسئول کمیته صلح سوئد و گروه پارلمانی حزب کمونیست های چپ سوئد نیز بوسیله پیامها، تسلیتی برای، کمیته مرکزی سازمان مراتب تاثیر خویش را از فقدان رفیق تابان ابراز داشتند. بقیه در صفحه ۲

اعدام فدایی قهرمان رفیق رضی الدین تابان و بیش از پنجاه نفر از دیگر فرزندان انقلابی خلق بزرگ دیگری بر کتاب بلشتی های، حکومت ننگین خمینی افزود. سیل تلگرام ها و نامه های اعتراضی نبره های پیشرو جهان و نیز پیام های همبستگی، جلوه ای از انزجار عمیق بشریت پیشرو نسبت به این رژیم تبهکار و خونریز است. در زیر گوشه ای از کارزار جهانی در محکومیت رژیم خمینی و پیام های، همبستگی رادرج می کنیم:

سوئد

پیام تسلیت حزب کمونیست کارگری سوئد به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

"لطیف اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپای غربی، اطلاع حاصل کردیم که رضی الدین تابان، عضو متاور



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۶ آبان ۱۳۶۴ برابر ۲۸ اکتبر ۱۹۸۵
بهار ۶۰ - ریال - سال دوم - شماره ۸

اسرار درون خانه آزما مطلب خون بر در آستانه می بین و می پرس!

جمهوری اسلامی از کشتن سیرایی ندارد. این رژیم با سفاکترین و روسیاهترین حکومت های موجود در دنیا، در گسترش اختناق و کشتار مسابقه گذاشته است و به راستی که از بسیاری شان گوی سبقت را ربوده است.

در همین هفته ها و ماه های اخیر، خبرهای متعددی در مورد اعدام های فردی و گروهی افشاش یافته است. مردم چندین شهر خود شاهد بوده اند که چگونه جلادان حکومت در میدان های مرکزی شهرها، مبارزین را به وحشیانه ترین شکل اعدام کرده اند. جوخه های اعدام پر مشغله تر شده اند و انقلابیون را گروه گروه به خاک و خون می کشند. فشار در زندان های بطور عام و بر روی زندانیان معینی بطور خاص افزایش یافته است. زندانیانی که مدت های مدید بطور مداوم زیر شکنجه بوده اند و با مقاومت های حماسی خود در غیما را ذله و ذلیل ساخته اند، دسته دسته روانه میدان های تیر میگردند. از ضعف و تزلزل است که چشم های رژیم را خون گرفته است. جوخه های تیرباران بر ضعف رژیم بقیه در صفحه ۲

گفتگوی نشریه "اکثریت"

بادبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش

بازنشتگی، کاهش ساعات کار و غیره کمک فراوانی کرد. ما بعد از شروع بحران اقتصادی در اواسط دهه هفتاد برای دفاع از دستاوردها، در جهت اتخاذ تدابیر موثر علیه بیکاری، علیه سیاستی که سعی در انتقال فشار بحران بر روی دوش زحمتکشان را دارد و توسط سرمایه و دولت دنبال می شود، در صف مقدم قرار داشته و داریم. حزب ما همچنین پیشتاز پذیرش بی طرفی پایدار اتریش بود که بعداً به تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۵۵ توسط پارلمان به تصویب رسید.

در کشور ما، کمونیست های اتریش نیروی اصلی اتحاد ضد فاشیستی علیه دیکتاتوری فاشیستی هیتلر و بقیه در صفحه ۸

برای ارائه تصویر، از وضعیت سیاسی اتریش و نظرگاه های حزب کمونیست اتریش در این باره و نیز در مورد مهمترین مسائل جهانی، از سوی نشریه "اکثریت" گفتگویی با رفیق فرانتس موری دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش صورت پذیرفت که در این شماره به درج آن می پردازیم. در آغاز رفیق فرانتس موری در مورد نقش و مبارزه حزب کمونیست اتریش ابراز داشت: می خواهم در این زمینه فقط به ذکر باره ای از وقایع مهم به پردازم. مبارزه حزب ما و نشریه آن "فولکس اشتیمه" (صدای خلق)، در سال های رشد اقتصادی به بهبود شرایط مادی طبقه کارگر در زمینه دستمزدها و

"فارسی" نویسی آقایان

قرنها پیش فردوسی که حماسه جاودانش شناسنامه زبان پارسی است با سر بلندی سرود.

بسی رنج بردم درین سال سی
عجم و نده کردم بدین پارسی

و حافظ شیرین سخن از سرشوق در باره شعر خویش که از عالی ترین انتظام واژگانی برخوردار است سرود

شکر شکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که به بنگاله می رود

اما راستی امروز بر سر "قند پارسی" چه آمده است؟ چگونه است که امروزه زبان فارسی که بقولی شکر است، هویت خود را در انبوهی از لغات و اصطلاحات بیگانه کم کرده است و بعضوان چفت و بست دهنده کلمات بیگانه بکار برده می شود؟ اگر در حیات آلوده رژیم سلطنتی، هجوم لغات و اصطلاحات اروپائی با شیوه شی از سرسپردگی به سیستم زندگی بقیه در صفحه ۲

آخرین شعر بنجامین مالویز: من به کرده خویش فخر می ورزم!

روز جمعه ۲۶ مهر "مالسلا بنجامین مالویز" شاعر انقلابی سیاه پوست، عضو رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی و عضو رهبری کنگره ملی آفریقا، به دست رژیم آپارتاید اعدام شد.

آخرین شعر مالویز، تجلی روشنی از ایمان عمیق این شاعر مبارز به آرمان های عمیق انقلابی است. او از فرور مرگ شکن سخن می گوید و با کرده خویش و با سروده خویش پا بر روی ترس و مرگ نهاده و به قلب تبیله و زنده تاریخ، راه می جوید.



من فخر می ورزم
به این که چنینم،
به این که چنین هستم
من به کرده خویش فخر می ورزم
و به این که چنین کردم.
توفان تحقیر
باران خون مرا به دنبال خواهد داشت
من فخر می ورزم
که زندگیم را ایثار می کنم
زندگیم را
زندگانی بیگانه و تنه ایام را.

رساتر باد فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام!

ای جلاد، ننگت باد!

بقیه از صفحه اول

سازمان فدائیان خلق را تهدید می کند بیان می کنیم.

ما مراتب نگرانی عمیق خود را نسبت به سرنوست انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام می داریم.

ما خواستار:

۱ - قطع فوری کشتار و اعدام دیگر مبارزین دربند؛

۲ - قطع فوری شکنجه های جسمی و روحی؛

۳ - آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی ایران، هستیم.

حزب کمونیست کارگری سوئد، گروه پارلمانی حزب کمونیست های چپ سوئد و کمیته صلح سوئد، اعتراض نامه هایی نیز به سفارت جمهوری اسلامی در سوئد ارسال کردند در بخشی از نامه حزب کمونیست کارگری سوئد آمده است:

"ما بدینوسیله مراتب تفرغ و انزجار خود را نسبت به این کشتار هولناک و وحشیانه اعلام می داریم. ما مراتب نگرانی عمیق خود را نسبت به خطری که جان گروهی دیگر از اعضای رهبری و کادرهای مسئول

اتریش

تلگرام کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش

از سوی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش تلگرام زیر به سفارت جمهوری اسلامی مخابره شد:

ما خواهان آن هستیم که به شکنجه در زندانهای ایران پایان داده شود!

ما با قطعیت تمام، علیه اعدام رضی الدین تابان عضو کمیته مرکزی فدائیان خلق اعتراض می کنیم! ما خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی هستیم! کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش

ما تحول اوضاع در ایران را با تم انی دنبال می کنیم. اخبار مربوط به شکنجه مبارزان بیکیفر ضد دیکتاتوری و صدور مداوم احکام اعدام رو به افزایش است. تعداد زیادی از کمونیستها تاکنون اعدام شده اند. اخیراً چند حکم اعدام دیگر اعضای رهبری فدائیان خلق صادر گردید.

یونان

نامه اعتراضی میکس تئودر اکیس ویانیس ریتسوس در مورد اعدام رفیق رضی الدین تابان

تئودر اکیس ویانیس ریتسوس از جمله توسط شخصیت های زیر امضا شده است:

- واسیلی افرمیدیس نماینده حزب کمونیست یونان در پارلمان بازار مشترک

- الکوس آلاواوس نماینده حزب کمونیست یونان در پارلمان بازار مشترک

- کوستاس کاپوس نماینده حزب کمونیست یونان در پارلمان یونان

- ماریادامانکی نماینده حزب کمونیست یونان در پارلمان یونان

- شناسیس گونفینوپولوس نماینده حزب سوسیالیست در پارلمان فیکوس فریادیس استاد دانشگاه و دبیر اول کمیته بین المللی همبستگی یونان

از سوی کمیته بین المللی برای پشتیبانی از دمکراتهای ایران یک نامه اعتراضی خطاب به سفارت رژیم خمینی در آتن، انتشار یافت در این نامه آمده است:

"ما امضا کنندگان زیر اعتراض خود را به اعدام رضی الدین تابان مبارز شفاخته شده دمکراسی از زمان شاه و کادر با ارزش جنبش جوانان و دانشجویان ایران اعلام کرده و نگرانی شدید خود را برای وفادگی سایر زندانیان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر دمکراتهای در بند ایران ابراز می کنیم و خواستار پایان یافتن فوری دستگیری ها، شکنجه ها و اعدام های دمکرات های ایران هستیم."

نامه فوق علاوه بر میکس

اسرار درون خانه از ما مطلب خون بر در آستانه می بین و می پرس!

بقیه از صفحه اول

کنیت حکومت و مقدم بر همه شخص خمینی، جبروت چماران راحتی در چشم حکومتیان ریخته است، بکیر و بیندما افزوده شده و جوخه های اعدام پر مشعل تر شده اند. این امری اتفاقی نیست که همزمان با فراز تازه در بدین درونی رژیم که ریشه در هراس حکومتیان از فردای ناگزیر تسان دارد، تشکیلات دادستانی ضد انقلاب تجدید سازمان می یابد و بخش "گروه های سیاسی" آن آمادگی بیشتر برای به بند کشیدن و کشتن پیدا می کند و از اعدام های گروهی خیر می رسد. احوال درون خانه است که آستانه را خونین ساخته و خون دویده بر در آستانه، حکایتگر حال درون است.

دلالت دارد. رژیم می پندارد که با شکنجه و کشتار دمی بیشتر زنده می ماند و چشمان خون گرفته اش به او اجازه نمی دهد که تجربیات حکومت سلف خود را از نظر بگذراند. اختلاف و کشتار یابیه های رژیم را هر چه بیشتر متوزل می سازد.

رژیمی از این دست، در بر خورد با هر فراز تازه از بحران چاره را در تشدید اختلاف و در اعدام های بیشتر می یابد. بیهوده نیست که در همان حالی که بحران درونی رژیم به نحو بی سابقه ای، شدت یافته است، در حالی که چنانچه مختلف ارتجاع، ترس از مردم را مبنای وحدت خود می گذراند، در حالی که نفرت خلق از

تظاهرات در برابر سفارت جمهوری اسلامی در لندن



روز دوشنبه ۱۴ اکتبر ۱۹۸۵، در اعتراض به اعدام رفیق تابان و برابری مقابله با توطئه اعدام رفیق انوشیروان لطفی، تظاهرات ایستاده ای در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن برگزار گردید. در این تظاهرات که به دعوت جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) - بریتانیا بر پا گردید، سازمانها و اتحادیه های متعددی شرکت کردند. و برای همبستگی با فدائیان اسپر جمعی از ملیت های انگلیسی، چینی، افغانی، کرد، ترک و عرب نیز در تظاهرات حضور داشتند.

تظاهر کنندگان که پلاکاردهایی در اعتراض به اعدام رفیق تابان و تصاویر رفیق لطفی را همراه داشتند با فریاد شعاری به زبانهای انگلیسی و فارسی سراسر فضای پیرامون سفارت جمهوری اسلامی را به لرزه در انداختند آنها فریاد می زدند:

زندانیان، اعدام، شکنجه دیگر اثر ندارد. ای رضی قهرمان راحت ادامه دارد.

انوشیروان لطفی آزاد باید گردد - بساط ظلم و ستم نابود باید گردد. خبرنگاران و عکاسان روزنامه های انگلیسی از جمله "تایمز لندن"، "مورنینگ استار" و "نیورورکر" از این تظاهرات گزارش تهیه کرده و پیام بر داری نمودند.

آلمان فدرال

دفاع از زندانیان سیاسی ایران و محکومیت اعدام رفیق رضی الدین تابان و پنجاه نفر از دیگر انقلابیون در بند موضوع فراخوانی است که در شهر دورتموند آلمان فدرال انتشار یافت این فراخوان از جمله توسط رفیق هربرت میس دبیر اول حزب کمونیست آلمان و چند تن از اعضای رهبری این حزب و نیز "پتر استالینگو" جراح مشهور و بنیانگذار جنبش "دانشمندان برای صلح" امضا شده است.

دانمارک

حزب کمونیست دانمارک در ارکان مرکزی خود طی مقاله ای به درج خبر اعدام رفیق تابان پرداخته و نوشته است: "این اقدام در جریان انتخابات ریاست جمهوری در ماه گذشته وقوع یافته است. در عین حال یکی از رهبران برجسته سازمان، بنام انوشیروان لطفی در معرض اعدام قرار دارد. سازمان عفو بین الملل صدور حکم اعدام و خطر مرگ بلافاصله لطفی را تایید نموده است."

حزب کمونیست دانمارک، از همه سازمانها و شخصیت های دانمارکی خواسته است با ارسال نامه های اعتراضی به سفارت ایران مخالفت خود را با این "موجهای ترور" اعلام نمایند.

بریتانیا

از سوی دبیر اول سازمان جوانان حزب کمونیست بریتانیا، نامه ای خطاب به سفارت جمهوری اسلامی در لندن نوشته شده و اعمال غیر انسانی رژیم واپسگرای خمینی محکوم گردیده است. در این نامه نسبت به جان فدائیان اسیر بویژه رفیق انوشیروان لطفی ابراز نگرانی شده است.

• "آرتور اسکارکیل" دبیر اتحادیه معدنچیان بریتانیا و رهبر اتحادیه بین المللی معدنچیان بلوماری را به نشانه اعتراض به اعدام رفیق تابان و همبستگی با فدائیان اسیر و خواست لغو کشتار و شکنجه زندانیان سیاسی ایران امضا نمود این بلومار به امضا دهها اتحادیه، سندیکا و انجمن کارگران و کارمندان، مهندسين، حقوقدانان نیز رسیده است.

• شورای اتحادیه های کارگری

استان "باکینگهامشایر"، اتحادیه شوراها، کارگری استان "اسکس"، اتحادیه کارگران مهندسی هرت فورد شایر، شورای اتحادیه های کارگری منطقه "الدهام" (منچستر و هومه) شوراها، شهرداری شهرهای منچستر و لیورپول و... هر یک در نامه های اعتراضی جداگانه ای به سفارت ایران در لندن، عمل و حقیقت اعدام رفیق تابان و پنجاه تن از فعالین برجسته جنبش انقلابی ایران را شدیداً محکوم نموده اند.

در نامه شورای اتحادیه های کارگری استان باکینگهامشایر آمده است: "... مراتب انزجار و تنفر ما را در مورد این اعمال بربرمنشانه به دولت مطبوع خود اطلاع داده و از آنها بخوایید این احکام را که متعلق به قرون وسطی هستند، لغو کرده و تمامی زندانیان سیاسی را آزاد کنید."

شورای شهرداری منچستر علاوه بر ارسال نامه اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی در لندن، نامه ای نیز برای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نوشته است. در پایان این نامه که به امضای رهبر شورای شهر گراهام استرینگر رسیده است می خوانیم: "از جانب شورای شهر برای شما در مبارزه تان برای نجات جان رفقای خود آرزوی موفقیت می کنیم."

• حزب کمونیست تیلی در تبعید، در نامه اعتراضی خود به سفارت جمهوری اسلامی در لندن، قتل رفیق تابان را قاطعانه محکوم نموده از وی بعنوان یکی از برجسته ترین انقلابیون مبارز در رژیم گذشته و از شاخص ترین رهبران جنبش جوانان و دانشجویان ایران یاد کرده و نوشته است رژیم شما مانند رژیم پینوشه هیچگونه احترامی برای بنیادترین حقوق مردم قائل نیست. حزب کمونیست تیلی همچنین خواهان آزادی رفیق انوشیروان لطفی شده و نامه اش را چنین به پایان می برد: "اندیشه را نه می توان کشت، نه به زنجیر کشید."

• سازمان ضد استعماری "لیبراسیون" خطاب به سفارت جمهوری اسلامی در لندن ضمن اعتراض به جنایت شنیع رژیم خمینی، نوشته است: "تمامی جنبش کارگری و مترقی در بریتانیا از این اعدامها و سیاست ادامه جنگ با عراق متزجر است."

"فارسی" نویسی آقایان

بقیه از صفحه ۱

نشان بدیم. "مگر نه آنکه در میان مخلوقات خداوند، تنها او مشرف به تشریف عقل و تعلیم الهی است و بدین جهت مسجود ملائکه و خلیفه الله فی الارض و ودیعتی فی لوجود می باشد و بهمین جهت هم لطف و عنایت باری تعالی او را مجلای صفات باری، شهد اخلاق الله گردانیده است" (صحیفه جمهوری اسلامی شماره ۲۵)

و یا "چنانکه گذشت فنا* طرح خدا در جهان و عجب طرح انسان در جهان است. فنا به تعبیر عرفانی ظهور اوصاف محمودة و عجب ظهور اوصاف مذمومة است. در اینحال میشود گفت که القا* و استغراق نیز دو حال روبروی همد در القا* فاسد فرد دعوت به معصیت میشود. دائم و مدام از ربط با حضرت حق جل و علا دور می گردد... التفات عجیب به روحانیت و فردانیت الهی است "داعی" در دعا، طالب فنا. "القای فاسد" و ظهور استغراق محض است "همان".

که به راستی باید با ذره بین دنبال یک جمله فارسی با واژگان فارسی گشت. البته ارائه اندیشه های سده ها، میانه نیاز به واژگان فرسوده و کهنه و دور از ذهن هم دارد، و گرنه برای آنکه نومی اندیشد و خود را ایرانی می داند سخن گفتن با زبان رسا و روشن فارسی کار دشواری نیست.

جمهوری اسلامی آگاهانه در پی از بین بردن زبان فارسی بعنوان شناسنامه ملی ماست و برای دست یابی به چنین آماجی از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند. ویرانه هایی که هم اینک، اینان از زبان فارسی بر جای می گذارند، برای آبادی دوباره و بازسازی نیازمند نیرویی شگرف و شایسته روزی است که وظیفه ملی و مبنی نویسندهگان و سرایندگان ما را از هم اکنون آشکار می کند. در پایان بر این نوشته کوتاه از شن تیریزی، که از شگفتی روزگار، امروزه و در میهن ما مصداق دوباره یافته است نگاه می افکنیم.

آنتون من زبان هندی، ندانم! سنه از عجز! - اما خود، عربی را چه شده است؟! - اگر همان هندو، بشنود گوید: این سخن تراست! - و زبان پارسی را، چه شده است؟ بدین لطیفی و خوبی که آن معانی و لطایف که در پارسی آمده است، در تازی نیامده است! •

غریبی، زبان فارسی را به رگبار بسته بود اینک به یمن وجود جمهوری اسلامی، از خود بیگانگی هولناکی در بر ابر لغات و اصطلاحات عربی بوجود آمده است که به راستی ارکانهای زبان پارسی را به لرزه در آورده است. هر روزیم نه از سر نیاز (که تا حدی پذیرش لغات و اصطلاحات غیر فارسی را قابل قبول می کند) بلکه از سر شیفتگی و غرض و مرض، دروازه های زبان را به روی سیل بنیان کن واژگان غریبه گشودند. هم اینک کار به اینجا کشیده است که خواندن و فهمیدن نوشته ها و گفته های دست اندرکاران و هواداران رژیم در روزنامه ها برای بیشتر ایرانیان با دشواری همراه است. بویژه بیشترین مردم میهن ماکه در کار و تولید شرکت مستقیم داشته و با "فرهنگ مطبوعاتی" شنائی ندارند به یکباره از زبان رسمی روزنامه ها بدور افتاده اند. حتی گاه بر نامه کودکان و نوجوانان رادیو تلویزیون چنان آکنده از واژگان مهجور عربی است که بزرگسالان هم از فهم آن عاجزند. نگاهی گذرا به روزنامه های رژیم، همه چیز را به سادگی آشکار می کند. به بخشی از یک شعر بلند که در روزنامه جمهوری اسلامی ۲۷ اسفند ۶۲ آمده است توجه کنید.

به باطن بتگرد از صقّه ظاهر
ز اول بی برد تا عاق آخر
مخاکاتی که اندر اصل و فرع است
بسان زارع و مزرع و زرع است
بر و برخوان تو "فئح الزارعون"
بیابای زارع بی چند و چون را
عوج امر بایوم است و آن یوم
بود "الف سنه" مقدارش ای قوم
و "الف سنه" هم می باش عارج
به "خسین الف سنه" معارج
شب قدر اندرین نشانه "نمودی"
بود از لیله القدر صعودی

چنانکه پدید است، برخی واژگان فارسی درین شعر بصورت "ملائی" در آمده اند تا لابلای کلمات عربی را بر کنند. این مشتبی از خروارها چرند و پرنده ای است که روزانه حجم روزنامه ها و برنامه های رسانه های گروهی را می آکند. به نظر می رسد جنابیتکاری، بر کلوی زبان پارسی دهنده شی فرو کرده باشد.

وقتی شعر آقایان "چنین" باشد پیداست که نثر "چنان" است، چنان که افتد و ذاتی باز هم مشتبی از خروار را

جنگ در آبهای خلیج فارس

در هفته گذشته نیروی هوایی عراق برای بیست و نهمین بار جزیره خارک را مورد حمله قرار داد. رژیم عراق همچنین برای نمایش قدرت هوایی خود، در روزهای اخیر، به حوزه‌های نفتی ایران واقع در آبهای خلیج فارس یورش آورد. عراق مدعی شد که جزیره سیری را بمباران کرده است. جزیره سیری یکی از کانوئهای مهم صادراتی نفت جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، و در واقع جمهوری اسلامی با استفاده از نفتکش‌ها، نفت را از جزیره خارک به این منطقه منتقل می‌کند و سپس از آن جزیره اقدام به صدور آن می‌نماید. ارتش عراق در ضمن گزارش کرد که در هفته گذشته حوزه‌های نفتی اردشیر و بهرگانس را نیز مورد حمله قرار داده است. پیش از این عراق اعلام کرده بود که چاه نوروز را به آتش کشیده است. حملات اخیر عراق به حوزه‌های نفتی و تسلیات نفتی واقع در آبهای خلیج فارس، طرح‌های عملیاتی جمهوری اسلامی را برای صادرات نفت از دیگر نقاط آبهای خلیج فارس، یا دشواری جدی، مواجه خواهد ساخت. لازم به یادآوری است که جمهوری اسلامی، پس از حملات مکرر عراق به جزیره خارک، در صدد برآمدن از طریق لوله کشی و دیگر امکانات، صادرات نفت خود را از تیررس حملات عراق خارج سازد.

عراق در مقابل در تلاش است تا با استفاده از امکانات، صادرات نفت خود را افزایش دهد. اینک عراق با استفاده از یک خط لوله خاک عربستان سعودی، ۵۰ هزار بشکه در روز بر صادرات نفت خود افزوده است. عراق در صدد است تا با استفاده از خلیج عقبه در خاک اردن، و با احداث خط لوله‌ای دیگر، از طریق خاک ترکیه، بازم بر امکانات صدور نفت خود بیافزاید.

در ضمن در هفته گذشته، وزیران دفاع شیخ نشینهای حوزه خلیج فارس، در مذاکرات خود در کویت، بار دیگر توفیق کشتی‌ها را از سوی جمهوری اسلامی محکوم کرده و آنرا تهدیدی علیه اعراب اعلام نمودند. باید افزود که این کشورها در پایان مذاکرات خود در ریاض اعلام کردند که در صورت قطع صادرات نفت یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس، دیگر کشورهای عضو شورای همکاری، صادرات نفت آن کشور را تقبل خواهند کرد.

عملیات عاشورای ۴

در هفته گذشته، جمهوری اسلامی به دو حمله محدود در جبهه‌های سومار و هورالهبیز دست زد. در اوایل هفته گذشته، عملیات "بامام موسی ادرکتی"، بدون آنکه به نتیجه‌ای نائل آید، پایان یافت. در عملیات دوم که بلافاصله بعد از آن آغاز شد و با عنوان عملیات "عاشورای ۴" صورت گرفت، ستاد مشترک اعلام کرد که ضربات سنگینی به ارتش چهارم عراق وارد آورده است و ۵۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را متصرف شده است.

رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی در مورد این عملیات، دست به تبلیغات گسترده‌ای زدند. آنان اعلام کردند که عراقی‌های مقیم ایران نیز در این عملیات شرکت داشته‌اند. مسئولین جمهوری اسلامی طی هفته گذشته بارها از مردم و حتی از عراقی‌های مقیم ایران درخواست کردند که به جبهه‌ها بروند.

تکرار مکرر این دعوت‌ها که از سوی سپاه و بسیج صورت می‌گیرد، همراه با تبلیغات گسترده مسئولین مملکتی، نشانه عدم توفیق آنان در بسیج نیروست.

مانور بزرگ "مقاومت شهری"

در هفته گذشته در راستای تبلیغات گسترده مسئولین جمهوری اسلامی برای بسیج نیرو، جهت الاسلام رحمانی سرپرست بسیج سپاه پاسداران نیز اعلام کرد که در هفته اول آذرماه (هفته بسیج)، مانور بزرگ "مقاومت شهری" با شرکت ارتش بیست میلیونی برگزار خواهد شد. وی اظهار داشت که در این هفته، شهروندان آموزش‌های دفاعی لازم برای دفاع انفرادی و اجتماعی به هنگام تهاجم دشمن به شهرها و اماکن حیاتی مهم کشور را فرا خواهند گرفت.

رحمانی همچنین اعلام کرد که در سال آتی تحصیلی، طرح تدریس آموزش نظامی در تمام سطوح مختلف برای دانش‌آموزان به اجرا در خواهد آمد.

راهپیمایی طلاب حوزه علمیه قم

گروهی از طلاب حوزه علمیه قم دست به راهپیمایی زدند. طلاب از مدرسه فیضیه به راه افتادند و در محل خانه منتظری تجمع نمودند. راهپیمایی طلاب در مخالفت با آندسته از نمایندگان مجلس بود که به حکم خمینی میثی بر ابقای موسوی رای مخالف داده بودند. منتظری شخصا در جمع تظاهرکنندگان حضور یافت و گفت: "آبروی انقلاب و نظام ما، حفظ مقام رهبری است و اگر چنانچه مقام رهبری تضعیف شود، در حقیقت اسلام تضعیف شده است... قاعده‌اش این بود که آقایان نمایندگان وقتی رهبر نظر داشته باشند ایشان در مقام وسیعتری هستند، مصالح اسلام را در نظر گرفته‌اند، فرمایش فرموده‌اند، باید نظر ایشان تأمین شود."

منتظری در ادامه سخنان خود، "نمایندگان محلی" را تهدید کرده و بیان داشت: "به نمایندگان مجلس تذکر بدهید که هر چه بوده گذشته است ولی از این به بعد باید توجه داشته باشند که پیر و اوامر امام باشند، ما در حالیکه مجلس، دولت و قوه قضائیه داریم، رهبری داریم که فوق همه اینهاست."

کابینه موسوی معرفی شد

روز پنجشنبه دوم آبانماه، موسوی نخست وزیر ملی نامه‌ای، اسامی وزرا را برای اخذ رای تأیید، به مجلس تحویل داد. در لیست اسامی وزرایی که از سوی نخست وزیر اعلام شد، نسبت به لیست منتشره در جرائد کشور (از جمله کیهان ۲۹ مهر ماه)، اختلافاتی مشاهده می‌شود. از سوی دیگر خمینی طی نامه‌ای به رئیس مجلس که در همان روز پنجشنبه قرائت گردید، خواهان آن شد که نمایندگان مجلس از درگیری و اختلاف حدرنمایند.

در کابینه جدید موسوی، در وزارتخانه‌های دفاع، نفت، کشور، راه و ترابری، مسکن و شهرسازی و چند وزارتخانه دیگر، تغییراتی بعمل آمده است. وزرای کابینه معرفی شده نخست وزیر عبارتند از:

۱- آموزش و پرورش: اکرمی

۲- امور خارجه: ولایتی

۳- ارشاد: خاتمی

- ۴- اقتصاد و دارایی: نمازی
- ۵- اطلاعات: ری شهری
- ۶- بازرگانی: عابدی جعفری
- ۷- برنامہ و بودجه: روغنی زنجانی
- ۸- بهداشت: مرندی
- ۹- بیست و تلگراف و تلفن: محمد غرضی
- ۱۰- جهاد سازندگی: نامداری زنگنه
- ۱۱- دفاع: سرهنگ جلالی
- ۱۲- دادگستری: حبیبی
- ۱۳- راه و ترابری: سعیدی کیا
- ۱۴- سپاه: رفیق دوست
- ۱۵- صنایع: شافعی
- ۱۶- صنایع سنگین: نبوی
- ۱۷- آموزش عالی: فرهادی
- ۱۸- کار و امور اجتماعی: سرحدی زاده
- ۱۹- کشاورزی: زالی
- ۲۰- کشور: محتشمی
- ۲۱- مسکن و شهرسازی: کازرونی
- ۲۲- نفت: آقا زاده
- ۲۳- معادن و فلزات: نیلی
- ۲۴- نیرو: بانکی

طرح قانونی مطبوعات

روژ - پنجشنبه دوم آبانماه، مجلس شورای اسلامی، دو ماده دیگر از "طرح قانونی مطبوعات" را به تصویب رساند. طرح قانونی مطبوعات بگونه‌ای تنظیم شده است که حتی روزنامه‌های دولتی و رسمی کشور نیز باید سرگوش ببرند تا در این قالب جای گیرند. در ماده ۷ این طرح، موارد زیر، خلاف قانون مطبوعات تشخیص داده شده که به لغو پروانه آن تشریه منجر خواهد شد:

- ۱- انتشار هر آنچه که به امنیت، مصالح و موازین اسلامی کشور لطمه وارد سازد.
- ۲- اشاعه فساد و فحشا، خواه از طریق مطالب و یا تصاویر
- ۳- تبلیغات و ترویج اصراف و تبذیر
- ۴- ایجاد اختلاف بین اقشار و طبقات جامعه
- ۵- تحریک و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب عملیاتی علیه امنیت، منافع و مصالح حکومت، چه در داخل و چه در خارج از کشور
- ۶- انتشار اسفاد و مدارک و یا تصاویر محرمانه نظامی و انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس و یا محاکم غیر علنی دادگستری
- ۷- اهانت به اسلام و مقدسات آن و همچنین مقام رهبری و مراجع مسلم تقلید
- ۸- افترا و توهین به مقامات، نهادها، ارگانها، اگر چه به طریق عکس و یا کاریکاتور باشد.
- ۹- نقل مطالب و موضوعاتی از مطبوعات احزاب و گروههای مخالف اسلام، به نحوی که تأیید آنها باشد.

در ماده ۸ این طرح آمده است که همه نشریات باید پروانه انتشار، اسم، مشخصات و آدرس سردبیر و محل چاپ و... داشته باشند، در غیر اینصورت غیر قانونی محسوب خواهند شد.



"هر خانواده باید چهار هزار تومان بپردازد"

در ماه محرم امسال، آخوندی بنام "مهدوی" (اهل نجف آباد، ساکن قم)، جهت روضه خوانی به روستای کلامویی از توابع مردگان عزیمت می کند. وی پس از چند روز موعظه در این آبادی، مطرح می کند که می باید مسجد تازه ای بسازیم و هر خانواده باید چهار هزار تومان بپردازد. اکثریت اهالی به این تصمیم اعتراض کرده، می گویند ما پول نداریم. خرده کشاورز هستیم. حتی نان شب نداریم. چگونه چهار هزار تومان بپردازیم؟! مهدوی پافشاری می کند. وی سرانجام با ایجاد جو رعب و وحشت، تعدادی از اهالی را مجبور به پرداخت پول می کند و به بقیه که واقعا امکان پرداخت پول ندارند اشنند بر حسب ضد انقلاب میزند و اعلام می کند آنها به روحانیت اهانت کرده اند.

در یکی از شبها به دستور وی کمیته مردگان روستا را محاصره می کند. بسیاری از روستائیان به کوه فرار می کنند. چهار نفر از اهالی دستگیر می شوند و پس از آنکه شدیداً مورد ضرب و شتم قرار می گیرند، به گروهان ژاندارمری مردگان تحویل داده می شوند.

سرانجام پس از شش روز آنها را دادگاهی کرده و با اخذ پول برای مسجد و به قید ضمانت آزاد می کنند.

مبارزه متحد اهالی روستای "انچیره"

در آخرین هفته شهریور ماه سال جاری، روستای انچیره از توابع شیراز صحنه درگیری شدیدی بین اهالی این روستا از یکسو و طرفداران و عوامل "منصور خان عابدی" از سوی دیگر بود.

روستای انچیره در ده کیلومتری غرب شهر شیراز واقع است. حدود ۲۸ خانوار خرده مالک و تعدادی خوش نشین ساکن این روستا هستند.

سخنان یکی از روستائیان "برگه" به شهر

روز بیستم مهر ماه دهها تن از روستائیان "برگه" به شهر به علت فشار و زورگویی یکی از خوانین و دادگستری به شهر تهران آمده و در مقابل ساختمان دادگستری تحصن کردند. سخنان یکی از روستائیان، تجلی کر عین اجحاف و فشاری است که حامیان بزرگ مالکان جمهوری اسلامی بر زحمتکشان کشور وارد می سازند:

"بعد از انقلاب زمین را بین ۶۳ خانوار روستایی بطور مساوی تقسیم کردیم و از آن تاریخ یعنی سال ۱۳۵۸ تا کنون بطور دائم مشغول کشت هستیم. در سال ۱۳۵۹، حیدرخان که یکی از فئودالهای منطقه ماژندران می باشد به دادگاه عمومی به شهر شکایت نموده که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۴

با توسعه شهر شیراز زمینهای حومه روستا از نظر ساختمان سازی ارزش پیدا کرده اند. از مدتها پیش منصور عابدی برای تصرف زمینهای موات حومه روستا دندان تیز کرده بود. وی امسال با تصرف مقداری از این زمینها، که متعلق به تمامی اهالی روستا است. اقدام به ساختمان سازی نمود. مردم روستا بویژه خرده مالکان به این عمل اعتراض کرده و با نوشتن نامه ها و طواری فراران به مسئولین حکومتی، خواهان اقدام عاجل در جلوگیری از زورگویی و تجاوز این فرد شدند. اما روستائیان بتدریج دریافته اند که از این رهگذار مشکل شان حل نمی شود و خود را با اقدام به تصرف بقیه زمینها نمودند.

در روزهای ۲۶ و ۲۷ شهریور اهالی روستا، متحد و یکپارچه در برابر خان می ایستادند و از کار ساختمان سازی جلوگیری می کنند. در نتیجه درگیری و زد و خورد شدیدی بوجود می آید. اهالی روستا کتک مفصلی به عوامل و نزدیکان خان می زنند، بطوریکه چند تن از آنان راهی بیمارستان می شوند. زمانیکه از طرف ژاندارمری برای دستگیری، تعدادی از روستائیان مراجعه می کنند، حدود دویست نفر از مردم با تجمع در مقابل آنها مانع دستگیری افراد مورد نظر شده و اظهار می دارند ما حق خود را می خواهیم. این چند نفر کتاهی ندارند. اگر می خواهید آنها را دستگیر کنید باید همه ما را بآخود ببرید.

مردم انچیره اظهار داشته اند: "فضیله فقط بر سر زمین نیست. دوران خان و خان بازی باید بر آید. ما منصور خان را به ده راه نمی دهیم." کشمکش هنوز ادامه دارد.

صدور احکام رفع مصادره اموال

بهره کشان

احکام رفع مصادره "اموال" غارتگران دسترنج مردم در ماههای اخیر رشد فزاینده ای داشته است. در زیر به چاپ دو خبر در این زمینه اقدام می کنیم:

۱ - اموال سید محمد میرابولحسنی (حکیمی شاهرودی) طی قرار مورخ ۵۸/۱۰/۲۶ توقیف و طی حکم غیر قطعی ۵۹/۶/۲ دادگاه انقلاب اسلامی مصادره و در پی نامه دادستانی کل انقلاب اسلامی (۵۹/۱۰/۲۴) از طریق دادستانی انقلاب اسلامی

رای دادگاه به شهر به این صورت صادر شد: حدود ۲۶ نفر از ۱۶۲ نفر کشاورز روستایی به ۲ ماه حبس و چهار میلیون و دویست و نود هزار تومان ضرر و زیان محکوم شدند. طبق قرار دادگاه به شهر، هر یک از روستائیان می بایست مبلغ ۲۶ هزار تومان به دادگاه پرداخت نمایند. ناچار با فروختن احتیاج خود هر کدام مبلغ ۷۵۰۰ تومان به دادگاه به شهر پرداخت کردند و باقیمانده آن را با قید ضمانت معتبر باید تا تاریخ ۲۲ مهر ماه بپردازیم. چند روز قبل به خاطر شکایت از دادگستری به شهر به دادگستری تهران پناه آورده ایم و از شب تا صبح در کنار خیابانها بیتوته کرده ایم و به علت نداشتن بودجه قادر به کر ایه مسافر خانه نیستیم و...

مشهد کلیه احکام صادره تا قبل از تاریخ ۵۹/۷/۱۶ قطعی اعلام می شود. برخی از اتهامات متهم که میثاقی صدور حکم مصادره اموال نامبرده بوده اند، بقرار زیرند:

"وابستگی شدید به رژیم مغفور پهلوی و سرمداران آن مانند فردوست، هویدا، باتمانقلیچ و غیره فعالیت مستمر در تحکیم رژیم پاتهیبه لومارهای متعدد و تأیید اعمال رژیم سرتگون شده تحت عنوان نماینده روحانیت و فتاگوی شاه مخلوع و همکاری مداوم و مستمر با ساواک منحل و..."

اما امسال حکم رفع مصادره اموال فرد مذکور از شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز به بنیاد ابلاغ گردید. در این حکم که در تاریخ ۶۴/۱/۲۱ صادر گردیده، آمده است: "ارتباط وی و مراوده او با سران رژیم گذشته، فتاگویی از طابغوت، ارتکاب اعمال نامشروع... در این رابطه از ناحیه او محرز است نظیر به اینکه ارتکاب به اعمال مذکور در حد فساد نبوده است، لذا مشمول عفو حضرت امام امت مدظله العالی می باشد. نامبرده از کل مجازات معاف است و..."

۲ - در تاریخ ۵۸/۲/۱۴ پیرونده "قاسم معماری" یکی از صاحبان عمده کارخانه آجر ماشینی ارومیه به دادگاه انقلاب اسلامی قم ارجاع و پس از بررسی اسناد و مدارک کارخانه مذکوره ماشین آلات و وسایل مربوط مصادره گردید و به بنیاد مستضعفین واگذار شد. در حکم مصادره چنین آمده بود: "با توجه به عمل وی و بردن و غارت اموال مردم که نمونه ای از اعمال وی می باشد، روشن می شود که این همه ثروت کلان با عنایت سن وی بخوبی وابستگی وی را به رژیم مغفور پهلوی (نشان می دهد)."

در حکم رفع مصادره اموال نامبرده، مورخه ۶۴/۵/۱۵، صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی ارومیه (که در حکم قبلی به "دستبوسی شاه مدقون" نیز متهم شده بود) چنین می خوانیم: "آقای قاسم معماری که متهم اصلی پیرونده است، فردی است مذهبی و مخالف رژیم سابق و پیدرش بنام محمد کاظم معماری از متمکنین شهر ارومیه و وکیل مرحوم آیت الله انظمی میلانی بوده..."

و بدین ترتیب اموال این شخص نیز به وی باز گردانده شد.

صحنه ای از اجرای یک حکم تخلیه

تصویری که مشاهده می کنید، بیانگر حقیقتی دردناک است. یک پیرزن ۷۵ ساله را بعد از ۲۰ سال اجاره نشینی از تنها سرپناه خود محروم ساخته اند. مردم میهن، همه روزه شاهد چنین صحنه هائی در گوشه و کنار کشور می باشند.



جمهوری اسلامی و عرصه "آگاهی اجتماعی"

بخش آخر

حاصل مسائل و شرایط تازه ای بوده است که رونق گرفتن مجدد "فلسفه" را بعد از یک دوره فترت، ضروری ساخته است.

چرا از حدود ۴۰ سال پیش به این سو، فلسفه مجدداً در حوزه‌های علمیه تا حدی رونق گرفت و جریان ضد فلسفه مقداری عقب نشینی کرد؟ پاسخ روشن است: در درجه اول برای مقابله با رواج یافتن مارکسیسم و جهان بینی علمی. فقیهان ضد فلسفه، برای مقابله با فلسفه نوین، به فلسفه رو آوردند.

این موضوع را مرتضی مطهری به روشنی تصریح می‌کند. او در سال ۱۳۲۲ در مقدمه جلد اول کتاب "اصول فلسفه و روش رئالیسم" طباطبایی در مورد انگیزه استاد خود برای رونق دادن به تدریس فلسفه در حوزه‌های علمیه می‌نویسد: "شرایط روزافزون فلسفی اخیر و توجه جوانان روشنفکر مابعد آثار فلسفی دانشمندان اروپا که هر روز به صورت ترجمه یا مقاله و رساله در عالم مطبوعات ظاهر می‌شود... و از طرف دیگر انتشارات مجهز به تبلیغات سیاسی و حزبی فلسفه مادی جدید، ماتریالیسم دیالکتیک، بیش از پیش حضرت معظم له را (مفطور طباطبایی است) مصمم نمود که در راه مقصود خود (یعنی رونق دادن به درس فلسفه در حوزه‌های علمیه) کام بردارند...

این روشی که حضرت معظم له آغاز کرده‌اند، یک اقدام اساسی است و فلسفه را در ایران، وارد مرحله جدیدی می‌کند. محصلین سابقاً اطلاعاتشان منحصر بوده به آنچه در کتابهای معمولی تدریسی خوانده بودند ولی با آنکه چند سالی پیش از اقدامات حضرت معظم له نمی‌گذارد، بسیاری از محصلین حوزه علمیه هستند که اطلاعات فلسفی نسبتاً جامعی دارند و مخصوصاً به مطالب و تئوری‌های فلسفه مادی زیاد آشنا هستند و راههای مغفله آن را به خوبی دریافته‌اند. (ص ۱۷). هدف از رونق دادن به باور فلسفه در "حوزه" روشن شد: طلبه‌هایم بایست به "مطالب و تئوری‌های فلسفه مادی زیاد آشنا شوند" و نحوه تبلیغ علیه آن را بیاموزند. "حوزه" از این نظر باید معنون فلسفه مادی باشد که فلسفه الهی را از یک خواب گران بیدار کرد! توجه به این نکته نیز جانب است که فلسفه از نور رونق یافته حوزه علمیه، تنها مارکسیسم را دشمن می‌شناسد و با مکاتب فلسفی بورژوازی غربی که همان هنگام داشتند در ایران رواج می‌یافتند، برخوردی ندارد. به همین خاطر رژیم پیشین، از فعالیت‌های فلسفی حوزه، پشتیبانی نمی‌نمود و از طریق "انجمن شاهنشاهی فلسفه" و کلاسهای فلسفه در دانشگاهها خاصه دانشکده الهیات که مطهری از اساتید آن بود، به رواج "فلسفه حوزه‌ای" کمک می‌کرد.

خمینی خود از موافقین "فلسفه" بوده است. اما او به جناح محافظه کار جریان تازه رونق یافته تعلق داشته و از همین رو بیشتر به بخش‌های محافظه کار فلسفه رسمی حوزه (مباحث کلامی و اخلاقی) می‌پرداخته و آنها را تدریس می‌کرده است.

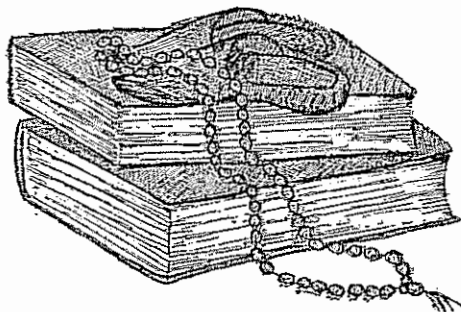
"فلسفه حوزه‌ای" اگر بطور مجرد نگریسته شود، سیاست گریز است، اما وقتی رو در روی یک فلسفه بقیه در صفحه ۱.

در بخش پیشین این مقاله، توجه خود را بر روی ماهیت ایدئولوژی جمهوری اسلامی و برخی خصایص عمده آن متمرکز کردیم. در این بخش، که حکم بخش پایانی این بررسی فشرده از کارکرد جمهوری اسلامی در عرصه آگاهی اجتماعی را دارد، بطور نمونه از میان شکلها و حوزه‌های مختلف ایدئولوژی، حوزه فلسفه را برگزیدیم و به پیش فلسفی رایج در میان "متفکرین" رژیم، به اختصار برخورد می‌کنیم.

یکی از جریان‌های فلسفی (۱) در جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد. مظهر این جریان "حجثیه" است. این جریان نقل را در برابر عقل، مبر را در برابر نظر و در مباحث فقهی اقتدا به اصول کهنه را در برابر اجتهاد نو می‌گذارد.

جریان ضد فلسفه در گذشته نزدیک، در حوزه‌های علمیه، بسیار قوی بوده است.

به عنوان نمونه در حوزه علمیه قم، تا زمان رونق گرفتن جلسه درس سید محمد حسین طباطبایی (مشهور به علامه) در دهه بیست و سی، فلسفه جزو دروس رسمی طلاب نبود و طباطبایی، علی رقم مخالفت و یا کم مبری زعمای آن هنگام حوزه، به تدریس فلسفه رو آورد. هم اکنون نیز، علی رقم تشویق‌هایی که به عمل می‌آید، فلسفه در حوزه علمیه بی



رونق است، بویژه آن که مباحث فقه و خاصه باب "قضا"، نان و آب دارتر محسوب می‌شود.

از جریان ضد فلسفه که بگذریم، در خود جریان موافق با فلسفه، با تفکر واحدی مواجه نمی‌شویم. در این جریان قدرت عمده از آن معتقدان به "حکمت متعالیه" است. این مشرب فلسفی اوسوی، صدرالمتألهین شیرازی مشهور به ملا صدرا، در قرن یازدهم هجری، تاسیس گردیده است. او کسی بود که مکتب مشا' (که برجسته‌ترین نماینده آن در تاریخ فلسفه ایران، ابن سیناست) و مکتب اشراق را (که با نام سهروردی آوازه یافت) در هم آمیخت. ملا صدرا، آخرین چهره درخشان فلسفه اسکولاستیک ایران است. بعد از او هر چه در مسیر فلسفه مدرسی کام برداشته شد، در راهی بود که اوطی کرده بود.

حوزه بعد از ملا صدرا، از دل خود فیلسوف در مفهوم احص کلمه، بیرون نداد. آنهایی که بعداً آمدند، مثل حاجی ملا هادی سبزواری (صاحب منظومه) در نهایت یک مدرس و شارح خوب و مبتکر فلسفه اسکولاستیک محسوب می‌شوند. طباطبایی نیز، فیلسوفی از این دست به حساب می‌آید. اما رونق گیری کار او و شاگردانش و برخی دیگر از مدرسین فلسفه در حوزه، پیش از این که به ذوق و شوق و برخی توانایی‌های آنها در ترکیب و تجزیه یک دایره عظیم از تعابیر و مفاهیم تپی مغز فلسفه مدرسی برگردد،

جمهوری اسلامی در عرصه نظر

آنچه که جمهوری اسلامی در عرصه عمل ارائه می‌دهد، جدا از باورهای ایدئولوژیک رهبران آن نیست. میراث پیوسته سالها قیل و قال حجره‌های تنگ و تاریک "حوزه"، هم برای آنان منبع توجیه خبیثتها و جنایات بیشمارشان است و هم عزمگاه و انگیزه‌شان برای همه گونه اقدامات ضد انقلابی و ضد بشری. برای شناخت دقیق‌تر رژیم و کارکرد آن، چاره‌ای جز رجوع به این میراث نیست. این مرده ریگ، اکنون تنها در حجره‌ها و شستناها دست به دست نمی‌گردد و به عنوان ایدئولوژی حکومتگر، در ویترین‌های دستگاه ایدئولوژیک رژیم حاکم بر یک جامعه سرمایه داری عرضه می‌شود. از همین رو صاحبان و اشاعه دهندگانش می‌کوشند از آن گرد و خاک برگیرند و رونق و روشش بزنند. اما یک شی کهنه تا حد معینی جلا می‌یابد. در بازار سرمایه دار، تنها عتیقه فروشان و عتیقه خران، و اگر از زبان استعاره درگذریم، تنها ابقار بورژوازی سنتی، مشتری این کالا هستند. بورژوازی در کلیت خود اساساً از زاویه رونق لحظه‌ای، یک کالا در بازار، به این عتیقه‌ها نمی‌نگرد.

در بخش پیشین این مقاله، به حوزه‌های مختلف ایدئولوژی اشاره شد. ما از میان این حوزه‌ها، فلسفه را بر می‌گزینیم تا بتکریم در این پهنه چه کالای عتیقه‌ای عرضه می‌شود. فلسفه را از آن رو برگزیدیم که در قیاس با حوزه‌های مذهب، سیاست (ایدئولوژی سیاسی)، حقوق، علم، اخلاق و هنر علمی، رغم اهمیت آن، کمتر بدان بطور مشخص برخورد شده است.

جمهوری اسلامی و فلسفه

فلسفه یک دیدگاه تعمیم یافته در باره هستی است. در جایی که دیدگاه مذهبی مسلط است و جهان و هستی از طریق ذات الهی تبیین می‌شود، فلسفه ناچار خادم الهیات می‌گردد. در چنین جایی، حداکثر امتیازی که به فلسفه داده می‌شود، این است که به اثبات وجود حقیقی اشیا و تشخیص علل و اسباب وجود آنها و چگونگی و مرتبه وجود آنها* بپردازد.

اما فلسفه در حوزه‌های علمیه، برای این که تا همین حد هم مجاز باشد و موضوعیت بیابد، بسیار سختی کشیده است. فقیهان همیشه فیلسوفان را آژوده‌اند. در "حوزه" هاء از قدیم الایام، این نظر قویاً مطرح بوده است که با وجود علوم نقلی دیگر به علوم عقلی، نیازی نیست. این نظر که شدیداً ضد فلسفه، حتی در حد خادم الهیات است، هم اکنون نیز در حوزه‌های علمیه طرفداران قدرتمندی دارد و گفتنی است که

* طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، با پاورقی مرتضی مطهری، جلد ۱، ص ۲۶.

دمکراسی پارلمانی یا دیکتاتوری سرمایه؟

در "دمکراسی" های بورژوازی، تا وقتی احزاب مویه مودر چارچوب منافق سرمایه عمل می کنند، "آزاد"، برقرار است. اما همین که جریان امور به دلخواه انحصارات پیش نرود، اینان همه دعاوی مربوطه "دمکراسی" و "حاکمیت مردم" را به یکباره فراموش می کنند و بر آشفته و خشمگین به صفحه می آیند تا مبدا ساحت مقدس "مالکیت" و "حکومت" سرمایه خدشه دار گردد. نمونه بارزی از این خود افشارگری، اخیراً در آلمان فدرال به وقوع پیوست.

در انتخابات پارلمان ایالت "هسن" این کشور، احزاب دست راستی تشکیل دهنده دولت فدرال هلموت کهل، شکست خوردند و حزب سوسیال دمکرات و حزب "سبزها" اکثریت آرا را به دست آوردند. این دو حزب، به عنوان نتیجه منطقی انتخابات، دست به ائتلاف زدند و یک وزارتخانه - وزارت انرژی و محیط زیست - در اختیار "سبزها" قرار گرفت. تا اینجا، قضیه، امور کاملاً ملایم روال عادی و معمول در دمکراسی های بورژوازی پیش رفت. اما به محض

انتشار خبر انتخاب یک "وزیر سبز"، اتحادیه سرمایه داران آلمان فدرال، اعلام کرد سرمایه گذاری های خصوصی در ایالت هسن متوقف خواهد شد زیرا در این ایالت دیگر "امنیت سرمایه گذاری" تضمین شده نیست! به عبارت دیگر، سرمایه داران به مردم می گویند اگر احزابی که ما می خواهیم در انتخابات پیروز نشوند از کار بیگارتان می کنیم، و احزابی را که تحت کنترل کاملاً نیست تهدید می کنند که در انتصاب و برکناری افراد به پستهای دولتی، حرف ما را گوش کنید و گرنه هر چه دیدید از چشم خودتان دیده اید و باید پیه رکود اقتصادی و افزایش بیکاری، ناشی از تحریم سرمایه گذاری را به تن خود بمالید. این همه، در حالی است که نه "سبزها" کمونیست شده و خواهان براندازی سرمایه دار هستند و نه برنامه دولت ایالتی "هسن" از چارچوب بورژوازی فراتر می رود. این است ماهیت "دمکراسی" بورژوازی که ظاهراً، بر اکثریت آرا مردم متکی است اما در باطن، همان دیکتاتوری سرمایه است.

فرق ۵۰ میلیون بایک میلیارد

چندماه پیش، در محافل اپوزیسیون ارتجاعی جمهوری اسلامی در خارج از کشور فاش شد که ساژمان "سیا"، در یک قلم ۵۰ میلیون دلار به دو گروه اصلی سلطنت طلب یعنی "جبهه نجات" (امینی چی ها) و "نهضت مقاومت" (بختیاریها) پول داده است. اما از آنجا که این رقم، پس از کسر مخارج دودوم آقایان، به زحمت کفاف انتشار نشریات و برگزاری جلسات در متلهای لوکس و چرب کردن سیبل فلان روزنامه یا بهمان حزب غربی را می دهد، شاه پرستان در عین سپاسگزاری و امتنان، گاه و بیگاه به ارباب غر می زنند که "کم است".

طبق نوشته نشریه "جبهه نجات" شماره ۲۴، امینی اخیراً در جلسه ای در پاریس، که اشرار افغانی هم در آن حضور داشتند، بین کمکهای دریافتی سلطنت طلبان ایرانی با کمکهایی که

ضد انقلابیون افغانی می گیرند مقایسه ای کرد و اظهار تاسف نمود. او تقصیر این کم لطفی ارباب را - که به "امینی" های، افغانستان سالی یک میلیارد دلار می دهد - به گردن باقی شاه پرستها، از جمله بختیار انداخت و گفت باید از "تکروی" احتراز کرد تا آمریکا هم مرحمت بیشتری بکند. البته امینی نمی داند یا خودش را به ندانستن می زند که فرق ۵۰ میلیون با یک میلیارد، تنها در "تکروی" مرگ توفان نیست. برای آمریکا، فرق اشرار افغانی با سلطنت طلبان ایرانی، مثل تفاوت تیم اصلی و تیم ذخیره است و یا به تعبیری دیگر اشرار افغانی، تیغه خنجر امیریالیستها علیه یک انقلابند، و شاه پرستان ایرانی، شلاق امیریالیستها بالای سر ضدانقلابی که تمایل به چموشی دارد. مایه ای که "سیا" برای هر کدام از آنها می گذارد، تفاوت دارد.

مسابقه بین المللی فقط با حضور جمهوری اسلامی

ایران به احتمال زیاد به مدت نامعلومی از حضور در کلیه مسابقات بین المللی محروم خواهد شد. قدر مسلم اگر چنین شود از شرکت تیمهای خارجی در مسابقات بین المللی ۲۲ بهمن جلوگیری خواهد شد.

کبهان ۲۴ مهر، "فدراسیون جهانی کشتی تصمیم دارد در اجلاس سالانه این فدراسیون پیرامون حرکت های ایران در خلال مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان اتخاذ تصمیم نمایند. از شواهد چنین بر می آید که

"بگذار فکر کنند استالین نفهمید!"

داریم. هتنامی که او این حرف را به زبان می آورد، من دیدم که چرچیل چگونه به من زل زده و انتقام می خواهد با چشمپایش مرا بخورد. می خواست عکس العمل مرا ببیند. من طوری رفتار کردم که گویی ترومن حرف ساده ای زده است و پیش خود کفتم: بتذات فکر کنند استالین نفهمید. "استالین در ادامه گفتگوی خود با مولوتف، اندکی مکث کرد، ابروان خود را درهم کشید، معلوم بود به حافظه اش فشار می آورد. گفت: "باید با... اسمش چیست... آما، یادم آمد، کورچاتوف. باید با کورچاتوف صحبت کنیم."

کورچاتوف که آن روز استالین نامش را به زبان آورد، از همان زمان مسئولیت گروه دانشمندان شوروی که به تحقیقات اتمی اشتغال داشتند را به عهده گرفت. گروه کورچاتوف طی ۴ سال کار شبانه روزی و خستگی ناپذیر موفق شد سلاح اتمی شوروی را ساخته و انحصار آمریکا در عرصه بمب های اتمی را از میان بردارد. دستاورد این فعالیت، اکنون نزدیک به چهل سال است تضمین کننده صلح جهانی است. معلوم نیست در صورت حفظ انحصار اتمی توسط ایالات متحده چه بلایی بر جهان می آمد. این انحصار در تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۴۹ با اولین انفجار هسته ای شوروی شکسته شد.

می گویند ترومن هتنامی که خبر انفجار هسته ای شوروی را شنید چند دقیقه از حال رخت.

پس از بیروزی بر فاشیسم، متفقین برای مذاکره پیرامون آینده آلمان و اروپا کنفرانس پوتسدام را برگزار کردند. در این کنفرانس، از جانب اتحاد شوروی، هیاتی به ریاست استالین، از جانب آمریکا ترومن و همکارانش و از سوی بریتانیا هیاتی به ریاست چرچیل شرکت داشتند. برگزاری کنفرانس پوتسدام با تدارک دوران جنگ سرد از سوی امپریالیسم آمریکا همزمان بود. ایالات متحده با در دست داشتن سلاح اتمی کمان می کرد می تواند اعتماد شوروی را به زانو در آورده و اراده اش را به جهان تحمیل کند. پنجماه پس از کنفرانس پوتسدام، انقباض هیروشیما و ناگازاکی نشان داد امپریالیست ها برای تحقق اهداف شوم خود از هیچ جنایتی روگردان نیستند. یکی از اعضای هیات نمایندگی شوروی در کنفرانس پوتسدام، رویداد زیر را حکایت کرده است:

یک روز پس از صرف نهار مولوتف وزیر خارجه شوروی، به استالین گفت: "منظوم نیست این روزها ترومن را چه می شود که اینقدر مغرور و متکبر شده است." استالین پاسخ داد: "من می دانم غنثش چیست. یک روز پس از پایان جنگ، من، ترومن و چرچیل بایکدیگر درباره مسائل پراکنده صحبت می کردیم. ترومن بگونه ای که همه خیال کنند دارد مساله ای فرعی را مطرح می کند، گفت ما سلاح تازه ای در اختیار

شهرها هر جهان

چشم انداز هر روزه

هر روز روی می دهد این
و دگر باره نیز روی خواهد داد،
این آتش بیبیاک است
دگر باره نیز خواهد سوزاند،
کارو روزان بی تابند
گروه های خشمگین
صف در صف پیش می روند
می روند
چاده ها و کشتزاران
از صدای دهقان می لرزند.
هر روز روی می دهد این
و دگر باره نیز روی خواهد داد.
زندگانی، پذیرای خاموش نیست،
اشکها و حسرت بیپوده است -
هنگام نبرد است
زندگیهای بردگی را بکسل.
امروز در اندامهای نحیف مان
نیروست،
در مردننده ای فولاد،
در هر چشمی آذرخشی،

"احمد منصور" شاعر بنگلادشی

به نقل از کتاب "شعرهایی از بنگلادش" گرداننده اسفندیار بهار - انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۵

گفتگوی نشریه "اکثریت" با دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش



رفیق موری در مورد موقعیت "آلترناتیوها" و "سبزها" در اتریش و تاثیر آنها بر سیاست دولت ابراز داشت:

آنها اینجانب نسبت به آلمان غربی ضعیفتر و پراکنده تر می باشند ضمن اینکه در حال حاضر تلاشهایی به منظور ایجاد اتحادهای ائتلافی در میان آنها جریان دارد. طیف سیاسی این تیر وها از چپ مترقی در حاشیه گرفته تا نظریات ارتجاعی راست محافظه کارانه را در بر می گیرد. پیدایش آلترناتیو ها و سبزها تجلی ناراضی عمیق و رو به گسترش می باشد که در نتیجه تاثیرات بحران عمومی سرمایه داری بویژه افزایش بحرانهای محیط زیست بوجود آمده است. حزب ما از سویی در مباحثات عینی اساسا به مواضع غلط این نیرو ها برخوردی انتقادی و جدی دارد برای مثال آنها می خواهند هزینه های اقداماتی که برای حفظ محیط زیست لازم می باشد را از راه فشارهای جدیدی بر روی دوش توده ها تامین بکنند. ما طالب حفاظت از محیط زیست به هزینه سودها می باشیم. در عین حال که ما برای پیشبرد سیاست اتحاد عمل و اتحادهایی با بخش هایی از این نیروها و با تعداد زیادی از گروهها و جنبش های منطقه ای و حوزه ای حفاظت از محیط زیست و پیشبرد خواستها و تدابیر درست تلاش می ورزیم.

ما می خواهیم هواداران و فعالین آگاه تر و چپ تر این نیروها را به سوی حزب خود جذب بکنیم.

رفیق موری در باره نظر حزب کمونیست اتریش در رابطه با اهمیت صلح جهانی نسبت به سیاست جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا، رد پیشنهادات صلح جویانه اتحاد شوروی و مسئله استقرار موشکهای اتمی گفت:

ریگان و دستگاه اداری وی عدتا به مثابه بازوی سیاسی ارتجاعی ترین جناحهای امپریالیسم آمریکا، بویژه مجتمع نظامی-صنعتی عمل می کنند. این نیروها به منظور گمراه کردن افکار عمومی خواستار مذاکرات صوری در ژنو میان آمریکا و اتحاد شوروی می باشند. در حالی که آنها به منظور برتری نظامی بر اتحاد شوروی در تمامی زمینه ها به نظامی گری ادامه داده و بویژه به میلیتاریزه کردن فضا شتاب بیشتری بخشیده اند. ایالات متحده آمریکا تا بحال همه پیشنهادهای سازنده اتحاد شوروی را رد کرده است؛ متوقف ساختن

خونده سیاست راست تعجیل می گردد. واضح است که تشکیل ائتلاف دولت با حزب لیبرال اتریش نیز به رشد این راست روی کمک می کند.

سویال دمکراسی اتریش کماکان بیشترین نفوذ را بر روی طبقه کارگر دارد. در عین حال این واقعیت که سرمایه داری به هیچ یک از بنیادی ترین مسائل راه حل مترقی و پایدار ارائه نمی کند و تضاد اصلی در این جامعه کماکان بین کار و سرمایه می باشد، باعث می شود که سیاست مذکور رهبری حزب سویال دمکرات را هر چه بیشتر با منافع اعضا و رای دهندگانش در تضاد قرار گیرد. از این امر در درازمدت در پیوند با مبارزه حزب ما، دور نمای توسعه اتحاد و اتحاد عمل های وسیعتر، تقویت حزب کمونیست اتریش، شکافته شدن سازش طبقاتی و نقش جدید و مبارزه جویی اتحادیه ها ناشی می شود. یک چنین تحول کیفی در تناسب نیروهای سیاسی، بیش فرضی برای چرخش سیاسی در جهت مترقی و پیشبرد دمکراسی ضد انحصاری می باشد.

سیاست رهبران راست سویال دمکرات که بیشترین نفوذ را در این حزب دارند از نظر داخلی متوجه پاپر چانگداشتن و ادامه حمایت از سیستم، به سود سرمایه داری است که با ظواهر بحران عمومی در عرصه های مختلف اجتماعی مشخص می شود. به این امر "سازش طبقاتی" که شکل ویژه همکاری میان رهبران حزب سویال دمکرات اتریش در دولت و اتحادیه ها با سرمایه است را باید اضافه کرد. این همکاری از درک نادرستی که معتقد است میان طبقه کارگر و سرمایه منافع اساسی مشترکی وجود دارد، آغاز شود. از نظر سیاست خارجی این سیاست از جمله با تسلیم در قبال فشار امپریالیسم و سرمایه انحصاری، بین المللی مشخص می گردد. بدین ترتیب در حال حاضر حدود یک سوم کارخانجات در اتریش در دست یا کنترل سرمایه خارجی و به خصوص سرمایه آلمان غربی می باشد.

رهبری حزب سویال دمکرات سابقا اصلاحاتی را دنبال می کرد که علی رغم اینکه در چارچوب سرمایه داری انجام می پذیرفتند، لیکن پیشرفتهای معینی را برای زحمتکشان به همراه داشت. امروز، در شرایط بحرانی این حزب اصلاحات بدست آمده را تا حدودی کنار می گذارد.

بقیه از صفحه ۱
بیگانه و مبارزه برای ساختن دوباره اتریش مستقل و دمکراتیک بوده اند. در این میان حزب ما بیشترین قربانی ها را داده است. حزب ما در تاسیس جمهوری دوم اتریش به تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۴۵ سهم بود. این امر نیز یک حقیقت تاریخی است که مبارزه قهرمانانه خلقهای شوروی و ارتش سرخ در آزادی اروپا و همچنین میهن ما از قید اسارت هیتلری سهم تعیین کننده ای ایفا کرده است.

در حال حاضر خطر اینکه فاشیستها از نسو و بلاوا وسط قدرت را بدست بگیرند وجود ندارد. اما تاریخ آموخته است که با این نیروها باید از همان ابتدا قاطعانه و متحدانه مقابله نمود.

دبیر اول حزب کمونیست اتریش در مورد مشی دولت ائتلافی نسبت به سیاست بی طرفی و عدم تعهد اتریش گفت سیاست خارجی اتریش به بی طرفی پایدار متکی است دولت اتریش از اینکه سیاست خارجی خود را غیر متعهد قلمداد کند اجتناب می ورزد در عین حال اتریش با یک سری از دولت هایی که جز غیر متعهدها بشمار می آیند، مناسبات خوبی دارد. روابط با کشورهای سویالیستی از سال ۱۹۵۵ به بعد به خوبی توسعه یافته است. این نکته را به حق می توان به مثابه مثالی برای امکان همزیستی مسالمت آمیز و به نفع طرفین ارزیابی نمود.

از طرف دستگاه اداری ریگان برای کشاندن هر چه بیشتر اتریش به سیاست مقابله علیه کشورهای سویالیستی فشار وارد می گردد. برای مثال، فشار برای کاهش مناسبات اقتصادی با کشورهای سویالیستی و غیره. ما قاطعانه علیه آن مبارزه می کنیم و نظرها این است که بجای تسلیم در مقابل این فشار در سیاست خارجی اتریش، می باید موضع فعالی در قبال سیاست تجاوز گرانه ریگان اتخاذ بشود. رفیق فرانسن موری ارزیابی حزب کمونیست اتریش از حزب سویال دمکرات و ائتلاف آن با حزب لیبرال اتریش و همچنین آینده احزاب دولتی اتریش را چنین بازگو کرد:

سیاست رهبری حزب سویال دمکرات در بیشتر موارد هر چه بیشتر با احزاب بورژوازی محافظه کار، حزب لیبرال اتریش و حزب خلق اتریش تطبیق می یابد در این مسیر همچنین رشد

تسلیمات اتمی و استقرار موشکها در اروپا، قطعه آزمایش سلاحهای اتمی، صرف نظر کردن از نظامی کردن فضا و دیگر پیشنهادات بدین جهت مبارزه وسیع تر و متحد نیروهای صلح دوست ضروری می باشد تا در ژنو پیشرفتهای واقعی حاصل شوند.

دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش در مورد جنگ ایران و عراق و تاثیرات آن بر روی منطقه و همچنین سیاستهای حکومت ارتجاعی خمینی چنین اظهار نظر کرد:

ما از این جنگ عمیقا اظهار تاسف می کنیم و بر این عقیده هستیم که این جنگ میان ایران و عراق فورا باید خاتمه یابد. مسئولیت این امر متوجه طرفین می باشد. این جنگ نیروها و وحدت خلقهای عرب را در مبارزه علیه دشمن مشترک واقعی، امپریالیسم آمریکا و نیروهای ارتجاعی در اسرائیل دچار ضعف می سازد. درگیری های نظامی محلی و منطقه ای در وضعیت کنونی جهان خطر توسعه آن را با خود به همراه دارند. بدین جهت خاتمه دادن به این جنگ از نظر حفظ صلح جهانی نیز ضروری می باشد.

اما در رابطه با رژیم ایران باید بگویم، دولت تحت رهبری خمینی به امیدها برای اقدامات مثبت و مترقی در ایران بعد از سقوط رژیم شاه جامه عمل نپوشاند.

کمونیستهای اتریش با نیروهای مترقی انقلابی در ایران، با کمونیستها، با فدائیان خلق (اکثریت)، با خواستهای به حق آنها، با مبارزه شان برای آلترناتیوی دمکراتیک، اجتماعی و راستین همبستگی کامل دارند. این مبارزه نه فقط برای خلق ایران دارای اهمیت بسزایی است بلکه برای جنبش کارگری و جنبش رهایی بخش بین المللی و همچنین برای مبارزه در راه صلح نیز اهمیت دارد. ما معتقدیم که آرمان بحق شما پیرو و خواهد گشت! ●

چه خطري دستاوردهای قیام را تهدید می کند؟

روند دمکراتیزه شدن کشور از چندین سو مورد تهدید است. بورژوازی، انتلی که قس از دست دادن منابع ثروت اندوزی خود را دارد، دست به فعالیت توطئه گرانه شدید، می زند. از همین رده اند "اخوان - المسلمین" که مخالف متعصب لغو "قوانین اسلامی" ۱۹۸۲ است. این قوانین برای رژیم استبدادی هم حکم تکیه گاه و هم نقش پوش را داشت. به جبهه توطئه گران باید بقایای رژیم نمیری، به ویژه سازمان امنیت را افزود که شهرت شومی کسب کرده بود.

سازمان امنیت در زمان نمیری تا حد ۴۵ هزار نفر رشد کرده بود که از این عده ۲۵ هزار نفر تنها در خارج بوم بودند. آنها مبهترترین وسایل و سلاحهای را که حتی ارتش فاقد آن بود، در اختیار داشتند. فعالیت سازمان امنیت و اداره اطلاعات ارتش پیوسته تحت کنترل "سیا" قرار داشت که مرکز عملیاتی منقله ای خود برای آفریقای شرقی و مرکزی را در سودان ایجاد کرده بود. در همه جای کشور، مامورین آمریکا لانه کرده بودند و اردوگاههایی ایجاد شده بود که در آن عناصر ضد دولتی لیبی، اتیوپی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن آموزش می دیدند. پس از سرنگونی دیکتاتورو اتخاذ تصمیم انحلال سازمان امنیت، آمریکایی ها اقداماتی انجام دادند تا تعداد هر چه بیشتری از افرادشان را حفظ کنند. هزاران تن از آنها که هنوز اسلحه و منابع مالی هنگفتی در اختیار دارند، یک تهدید واقعی برای روند دگرگونی به شمار می روند. آنها کاملاً در موقعیتی هستند که دستورهای روسای سابق خود و یا حامیان آنسوی دریاهاشان را انجام دهند.

علاقه ای که ایالات متحده به سودان نشان می دهد، تصادفی نیست. این کشور در جهان عرب و در قاره آفریقا از موقعیت استراتژیکی مهمی برخوردار است. در خاک سودان، پایتانهای نیروی دریایی و هوایی (آمریکا) و پایتانهای "نیروی مداخله سریع" قرار دارد. بارها مانورهای بزرگ با شرکت نیروهای پنتاگون در سودان انجام شده است. واشنگتن همچنین منابع بسیار مهم اقتصادی در کشور ما دارد و بدین سادگی از آنها دست نخواهد کشید. ایالات متحده قادر است از طریق

عوامل خود نفوذ زیادی بر ارتش، پلیس، کل دستگاه دولتی، رسانه های گروهی، موسسات آموزشی و فرهنگی و حتی جنبش سندیکایی سودان اعمال کند. سرویس های جاسوسی سایر کشورهای ناتو و اسرائیل نیز در تماس نزدیک با سیا فعالیت می کنند. آنها شدیداً به پراکندن احساسات ضد

ندارد. قیام مارس بار دیگر نشان داد آنهایی که به شدت از سو تغذیه رنج می بردند در آن شرکت نجستند. همچنین نباید از نظر دور داشت که کشورهای امپریالیستی از تسویل مراد غذایی بذلور فزاینده ای بعنوان ابزار اعمال فشار بر کشورهای رشد یابنده بهره می گیرند. سودانی ها

سودان: آغاز مرحله ای دشوار

مقاله ای از محمد ابراهیم نقود، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان
مندرج در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره سال ۱۹۸۵
- بخش دوم -

بر پایه تجربیات خود دیدند که چگونه ایالات متحده در این زمینه فعالیت می کند. در زمان نمیری آنها در ازای تحویل غله خواهان پایتانه های نظامی و یا کمک به انتقال غیر قانونی یهودیهای فلاش شدند. کمک عربستان سعودی هم با نیت خیر نیست. این کشور همراه با مصر سرچشمه خطر اصلی خارجی برای پیشرفت سودان در مسیر دمکراتیک هستند.

ما به هیچ وجه به این خطر کم بها نداده و چشمان خود را بروی قدرت کمی و توانایی دشمنان دمکراسی نمی بندیم. اما با این حال، با امید و خوش بینی به آینده می نگریم، زیرا عوامل داخلی و خارجی دیگری که نقش مثبت دارند کم نیستند. از این زمره باید قبل از هر چیز خود قیام را نام برد که به توده ها اعتماد به نفس تازه ای داده، شور انقلابی شان را افزایش بخشیده و آنها را در مبارزه مجرب تر ساخته است.

و نیز باید به رشد جنبش دمکراتیک توده ای در جنوب کشور اشاره کرد که برای نخستین بار در تاریخ معاصر سودان بطور کلی در روند جنبش توده ای نقش مثبتی ایفا می کند. پیش از این، نیروهای سیاسی جنوب سودان به رویدادهای کشور علاقه ای نشان نمی دادند. آنها بدین اکتفا می کردند که از خواستهای محلی خود دفاع کنند. امروز "جنبش رهایی بخش خلق سودان" و شاخه مسلح آن، "ارتش رهایی بخش مردمی سودان"، که نقش مهمی در تعمیق بحران رژیم نمیری و سرنگونی آن ایفا نمودند، برنامه روشنی ارائه می کنند.

آنها در این برنامه با گرایشهای جدایی طلبانه که قبلاً در جنوب تسلط داشت مرز بندی می کنند بر ضرورت مشارکت مثبت در امور سراسری دولتی تاکید می ورزند و همه سودانی ها

کمونیستی پرداخته و پیوسته می نهند. به مردم چنین تلقین کنند که گویا "کوشش برای دمکراتیزه کردن" شکست خورده است. به احزاب و جنبش های سیاسی، اتحادیه ها و مطبوعات رشوه می دهند. این امر منطقی نیست که دشمنان خلق سودان بکوشند از طریق هر گونه توطئه ممکن در کشور هرج و مرج ایجاد کنند تا بهانه ای برای ایجاد یک دیکتاتوری نظامی، سرکوب کامل آزادیهای دمکراتیک و محو دستاوردهای توده ها بیابند.

وضعیت وخیم اقتصادی و مالی سودان مورد بهره برداری توطئه گران قرار می گیرد. رژیم نمیری همه شاخه ها و بخشهای اقتصادی ملی را با ورشکستگی کامل مواجه کرده است. کشور که قروض خارجی آن از رقم هنگفت (۱ میلیارد دلار تجاوز می کند، قادر نیست این قروض و یا حتی بهره و امها را بپردازد. گرسنگی، تنها مولود خشکالی نیست بلکه یک علت آن هم سیاست مخرب حکومت پیشین است که تولید محصولات کشاورزی برای صادرات را تشویق کرده و بدین ترتیب سلح زمینهای زیر کشت برای مایحتاج اولیه راکاهش داده و به زمینه تامین مواد غذایی برای مردم لطمه زدند. امروز از هر چهار سودانی یک نفر گرسنه است.

این اوضاع برای جنبش توده ای بسیار خطرناک است. ترس از آینده و گرسنگی قادر است بدون مداخله از خارج هم انرژی انقلابی توده ها را رو به تحلیل برد و نیروی آنها را فرسوده سازد. علیرغم تفسیرهای توأم با تعریف از مارکسیسم که در محافل بورژوایی و خرده بورژوایی مرسوم است، ما عقیده داریم فقر و گرسنگی به خودی خود به اقدام انقلابی نمی انجامد. کسی که از گرسنگی رنج می برد، حال و حوصله سیاست را

راه شرکت فعال تر در مبارزه در راه دمکراتیزه کردن عرصه های گوناگون زندگی میهن فرامی خوانند.

فعال تر شدن نیروهای میهن پرست در ارتش اهمیت زیادی دارد. اینان در برابر گرایشهای راست در فرماندهی کل ارتش مقاومت کرده و از رشد جنبش دمکراتیک در کشور پشتیبانی می نمایند.

بعنوان عوامل مناسب خارجی می توان از این فاکتور ها نام برد: فعالیت اپوزیسیون در مصر که با نیروهایی که میکوشند در مرزهای شمالی سودان علیه این کشور دست به توطئه بزنند مقابله می کند، تثبیت مواضع انقلاب اتیوپی که به رژیم سلطنتی اتیوپی که همواره مورد حمایت نیروهای محافظه کار و مرتجع در کشور ما بود، پایان داد و رشد موفقیت آمیز تجربیات انقلابی جمهوری دمکراتیک خلق یمن که از ویژگی خاص برخوردار بوده و برای جهان عرب اهمیت زیادی دارد. پیروزی جنبش مقاومت میهن در لبنان که به اتفاق نیروهای دمکرات انقلاب فلسطین و حمایت سوریه - که شجاعانه پایداری نشان داده و در برابر تجاوزگران اسرائیلی ایستاد - مداخله گران آمریکایی و ناتوی را به فضاخت بیرون راند، تاثیر زیادی بر توده ها، مردم سودان گذارد.

برای خلق ما، همبستگی بین المللی با مبارزه اش ارزش فوق العاده ای داشته و دارد. این همبستگی روه گسترش است، امری که مدیون فعالیت احزاب کمونیست و کارگری، احزاب انقلابی - دمکراتیک کشورهای عربی و غیر عربی و نیز رشد قدرت کشورهای جامعه سوسیالیستی، و پیش از همه اتحاد شوروی، مدافع خستگی ناپذیر بر امر صلح و آزادی ملل است.

مشي حزب کمونیست سودان

در این شرایط پیچیده، تدوین و دنبال کردن یک مشی دقیق و واقع بینانه که بر تحلیل عینی و بدون از ساده انگاری و واقعیت مبتنی باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است. چنین تحلیلی، توسط پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان در بیستم آوریل ارائه شد. پلنوم بعنوان مهمترین امر، از اقدام مردم، نقش اتحاد نیروهای مردمی و ارتش در دفاع از دستاوردها و حفظ آن در برابر حملات دشمن نام برد.

بقیه در صفحه ۱۰

سودان: آغاز مرحله‌ای دشوار

بقیه از صفحه ۹

از این رو، مشی دنبال کردن هدف گسترده‌ترین اتحاد برای حفظ واحیای کامل دموکراسی و حاکمیت ملی - اگر چه در موقعیت تاریخی نوین، در سطح تازه و با مواضع جدید و تهاجی - همچنان به قوت خود باقی است. یکپارچگی توده‌ها، مردم منوال به آن است که "اتحاد نیروهای ملی..." در ترکیب خود وسیع تر شود و بر اساس منشور آن، احزاب و اتحادیه‌هایی که در اعتصاب سیاسی و قیام توده‌ای شرکت واقعی داشتند، بدان پیوندند. هرگاه "اتحاد نیروهای ملی" طیف گسترده‌تری را نمایندگی کند، باید به ارکان قدرت سیاسی توده‌ها تبدیل شود. ارکانی که اراده توده‌ها را تحقق بخشد و از سلاح اعتصاب سیاسی در صورت بروز خطرات جدید برای جنبش توده‌ای بهره گیرد. این امر در خدمت آن خواهد بود که به وضوح ایجاد شده پس از روی کار آمدن فرماندهی کل نیروهای مسلح پایان داده شود. وضعی که در آن، قدرت قانورتذاری بطور کامل در دست شورای موقت نظامی متمرکز است، هیات وزیران که بعداً تشکیل شد تنها وثایف اجرایی دارد و حقوق "اتحاد نیروهای ملی..." به هیچ وجه رسمیت نیافته است.

حزب ما از بیانیه فرماندهی ارتش حاکی از اینکه ارتش درصدد جایزینی دیکتاتوری جدید نظامی بجای رژیم استبداد نیست، بلکه می‌خواهد پس از یک سال قدرت را به یک دولت غیر نظامی تحویل دهد، استقبال کرد. مافالغانه با این مخالفیم که نظامیان پس از سپری شدن

از زبان خودشان

بقیه از صفحه آخر

* "این مجلس در همه وزارتخانه‌ها به وژیوری که بر اساس میل و دلخواه زید و عمر و حرکت‌های معادلاتی پشت پرده به لیست وزراء راه یافته باشند، رای نخواهد داد." (میرزایی - اطلاعات ۲۲ مهر)

* "کابینه باید یکپارچه باشد و وزاری آن شیخوخیت نخست وزیر را پذیرفته باشند و از هیات دولت و رئیس دولت به اینجا و آنجا پل نزنند." (میرزایی - اطلاعات ۲۲ مهر)

* "کسانی که به مقام ولایت فقیه باور عمیق دارند، عنایت خواهند

دوران گذار همچنان روی کار بمانند. - حزب کمونیست سودان همچنین هر گونه تلاش برای براندازی را رد میکند، خواه این کوشش تحت لواء، بهانه‌ای باشد که منقضی استقامت (از قبیل "در کشور هر چه و هر چه حاکم است"، "احزاب ناتوانی خود را نشان داده‌اند"، "کامیاب قاطع برای به کرسی نشاندن قوانین اجلام لازم است" و غیره...) و یا تحت پوشش شعارهای چپ نظیر "ادامه قیام"، "نجات انقلاب" و غیره.

در نزدیک به سه دهه موجودیت مستقل سودان، ۲۲ سال رژیم‌های نظامی قدرت را در دست داشته‌اند. نتیجه، ورشکستی اقتصادی، تخریب رشد بورژوازی انکلی، سرکوب دموکراسی و تضعیف حاکمیت ملی بوده است. در این زمینه، تفاوتی میان دیکتاتوری دست راستی عبود و رژیم نمیری که تاها شعارهای چپ و مترقی می‌داد، وجود نداشت. ایورتونیستها که با اصطلاحات مارکسیستی دست به شعیده بازی می‌زدند (مانند یک گروه کوچک متشعب از حزب کمونیست)، تکنوکراتهای دارای افق محدود، که از "مدرنیزه کردن جامعه" و "رشد همه‌جانبه" دم می‌زدند، و آنهایی که مذهب را دکان کرده بودند، بطور طبیعی رژیم نمیری را توجیه می‌کردند.

تنها سقوط رژیم استبدادی کافی نیست. اگر قرار است دموکراسی بطور کامل احیا شود، باید همه قوانین مغایر آن، از جمله قانون اساسی ۱۹۷۲ (که تنها موقتا معلق شده است)، "قوانین اسلامی" ۱۹۸۲ قانون امنیت دولتی و غیره لغو گردند. رژیم نمیری، و به

داشت که در نظام جمهوری اسلامی، احترام به حقوق ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، از رسومات ظاهری دموکراسی می‌باشد و ولایت فقیه، بنابر احساس تکلیف و ضرورت در مسائل مهم کشور اظهار نظر می‌نماید." (هاشی - اطلاعات ۲۲ مهر)

* "اما اینکه جدای نخواسته یک وقت برای اینکه اثبات کنید مطلب خودتان را، راجع به دولت بخواهید کار شکنی بکنید، دولت را به شکست وادار کنید... دولت را تضعیف کنید، اسلام را به شکست برسانید، این یک مطلبی است که الزاما باید جلوگیری گرفته شود."

- "ما الان در مشکلات هستیم، نباید دولت یک مدت طولانی تعطیل

ویژه سازمان امنیت آن، باید بطور کامل از میان برده شود، اما نه از طریق اقدامات رسمی بوروکراتیک که اینک جاری است، بلکه با شرکت دادن توده‌ها، که اقداماتشان باید توسط "اتحاد نیروهای ملی"، شورای نظامی موقت و ارگانهای قضایی بطور مشترک هدایت گردد.

نمی‌توان بدون بازسازی دستتاه دولتی، از جمله ارتش، و یکارگماری دوباره اخراجی‌های پیشین، یک رژیم مستبد را بطور کامل درهم شکست. این بازسازی، نباید بخونه‌ای باشد که در آن نسوبه حسابهای شخصی صورت گیرد و تصمیمات کوتاه نظرانه گرفته شود. باید امکانات لازم در اختیار مسئولین امر در موسسات دولتی قرار گیرد و معیارهای دقیقی تدوین شود. معیارهایی که باید اتحادیه‌ها با آن موافقت نموده و بر اجرای آن نظارت داشته باشند. هرکس مرتکب جرمی علیه دکتران دیشان شده باشد، چایش در زندان است. این به معنای نقض دموکراسی نیست، بلکه حفظ آن در برابر اعمال دیکتاتوری است.

بیکار تازه آغاز شده است. در برابر ما، نبردهای بی شمار قرار دارد که ما در آن، از خاطره رفقای شهیدمان، از یاد همه آنهایی الهام خواهیم گرفت که در مبارزه برای دموکراسی و استقلال ملی جان باختند. برای ما، سرچشمه انرژی انقلابی، تجارب مبارزاتی افتخارآمیز کمونیست‌هاست این تجارب، در برابر ما سرشکهای زیادی از پایداری و ایثارگری در دفع حملات دشمن، از پاکیزه نگهداشتن ایدئولوژی طبقه کارگر از حفظ وحدت و انسجام حزب قرار می‌دهد.

باشد. باید به طوری که صلاح است زود برحسب تکلیفش عمل بکند و آقای رئیس جمهور هم برحسب تکلیفشان، آنقدری که تشخیص می‌دهند، تأیید بکند. وبعد هم در مجلس زود مساله را تمام کنید. نگذارید طولانی بشود و ضرر است برای اسلام و ضرر است برای کشور."

- "در نطق‌های قبل از دستور و در نطق‌های بعد صحبت‌هایی که وقتی معرفی می‌کنند و وزراء اهتاک می‌کنند."

- "از آنطرف هم من به قوای مسلحه چه ارتش باشد و چه چیزهای مدنی باشد و چه پاسدارها باشند و به همه آن‌ها سفارش می‌کنم در امور سیاسی دخالت نکنند... به آنها مربوط نیست، اینها باید مشغول جنگ باشند." *

بقیه از صفحه ۶

جمهوری اسلامی و عرصه

"آگاهی اجتماعی"

"سیاسی" که نه از تفسیر بلکه از تغییر جهان سخن می‌گوید، قرار گرفت، کوشش کرد خود را به "سیاست" نزدیک سازد. "سیاست" برای این فلسفه یعنی ستیز با همین فلسفه "سیاسی" یعنی ستیز با مارکسیسم. مرتضی مطهری از آن نظر از بقیه هم مسلکان خود "سیاسی" تر بود که خطابه‌های آتشین علیه مارکسیسم و هرگونه گرایش و مواداری نسبت به فلسفه علمی، ایراد می‌نمود. فلسفه حوزه‌ای اساساً تقدیر گراست، اما برای این که اراده کرده بود ستیز بی‌امانی را علیه تقدیر بی‌چون و چرای خویش در برابر مارکسیسم، سازمان دهد، مفهوم "اراده" را بر واژگان خود افزود. تنها از این زاویه دشمنی با مارکسیسم، حس رقابت در او برانگیخته شد و تلاش کرد در برابر واقعیت‌های ژنده اجتماعی، طرح‌ها و برنامه‌هایی از خود، به صورتی بسیار کلی و مبهم، ارائه دهد. در اینجا نیز فلسفه حوزه‌ای باید سیاست‌گذار مارکسیسم باشد که با مفاهیم اجتماعی، آشنایش ساخت!

فلسفه رسمی در جمهوری اسلامی، همان فلسفه رسمی حوزه علمیه است که به مهم‌ترین جریان آن اشاره کردیم. یک طرز تفکر قابل توجه دیگر در کنار این فلسفه رسمی، "شمره" وحدت حوزه و دانشگاه" (!) است. نمایندگان این طرز فکر النقاطی را عمدتاً روشنفکران مذهبی تحصیل کرده غرب که در خدمت رژیمند، تشکیل می‌دهند. عبدالکریم شوش معروف، یکی از اینان است. گرایش غالب در میان صاحبان این طرز فکر النقاطی، پیوستگی و پیوستگی (اثبات گرایی)، نئوپوستگی و نئوپوستگی (اثبات گرایی نو) و نئوتومیس (توماس گرایی نو) - فلسفه رسمی کلیسای کاتولیک) است. آنها آموخته‌های کج و معوج خود در دانشگاه‌های غرب را با عرفان، فلسفه ملاصدرا و تکبر و نخوت ناشی از تکیه به قدرت حاکم، درهم آمیخته و خاصه در آنجا که مکتبها فریبناکتر باشند، میداناری می‌کنند. رژیم به اینها عمدتاً در دانشگاهها نیایزمنند است. اینان که به شدت ضد مارکسیستند و از آخوندها نیز بهتر می‌دانند که چرا باید ضد مارکسیسم باشند، حلقه اتصال فلسفه حوزه‌ای را با فلسفه منطبق بورژوازی غربی، تشکیل می‌دهند.

کنفرانس سران کشورهای عضو پیمان ورشو

هفته گذشته اجلاس رهبران کمونیست و دولت‌های کشورهای عضو پیمان دفاعی ورشو با حضور هیات‌های اتحاد شوروی، بلغارستان، جمهوری دموکراتیک آلمان، لهستان، چکسلواکی، مجارستان و رومانی در صوفیه برگزار شد.

کشورهای عضو پیمان ورشو در پایان کنفرانس خود بیانه‌ای تحت عنوان "برای محور خطر جنگ هسته‌ای، برای چرخش به سوی شرایط بهتر در اروپا و جهان" انتشار دادند. این بیانه پس از تحلیل شرایط کنونی جهان، تأکید می‌نماید که چنین چرخشی "لژوم" پایان دادن به سیاست اعمال قدرت و تشنج فزاینده را ایجاد می‌کند. "کشورهای سوسیالیستی در این بیانه پیشنهادهای صریح متعددی ارائه نموده‌اند و تأکید ورزیده‌اند که کلیه پیشنهادها قبلی نیز همچنان معتبرند.

به عنوان اولین گام، بیانه پیشنهاد می‌کند که آزمایش، تولید و استقرار سلاح‌های تهاجمی ضد ماهواره‌ای در فضا متوقف گردند، سلاح‌های هسته‌ای موجود روی زمین در حداقل ممکن نگاه داشته شوند و به تولید، آزمایش و استقرار سلاح‌های برد متوسط اروپا پایان داده شود. در عین حال، جهت پایان دادن به سابقه تسلیحاتی هسته‌ای، پایان دادن به آزمایش‌های هسته‌ای ضروری است. کنفرانس در این رابطه از اقدام یک جانبه اتحاد شوروی مبنی بر متوقف ساختن آزمایش‌های هسته‌ای حمایت به عمل آورد. بیانه می‌افزاید: "اکنون نوبت آمریکا است که اقدامی مشابه به عمل آورد."

دادن تعهد مبنی بر عدم استقرار سلاح‌های هسته‌ای در خاک کشورهای دیگری که دارای سلاح هسته‌ای نیستند، خودداری از اثبات این سلاح‌ها و عدم استقرار سلاح‌های مدرن‌تر بجای سلاح‌های کهنه، اقدام مهمی است که به عقیده کنفرانس در خدمت امر تحکیم صلح خواهد بود.

کشورهای شرکت کننده در کنفرانس همچنین پیشنهاد می‌نمایند که اتحاد شوروی و آمریکا متعهد گردند از تولید و استقرار سلاح‌های استراتژیک خودداری خواهند ورزید. پیمان ورشو پیشنهاد می‌کند اتحاد شوروی و آمریکا از اول ژانویه سال ۱۹۸۶ تعداد نیروهای مسلح خود را حتی در خاک خویش نیز افزایش ندهند و بودجه نظامی خود را در سطح کنونی متوقف سازند.

اعدام شاعر میهن پرست آفریقای جنوبی به میاروه علیه آپارتاید اوج تازه‌ای داد

در -تالیکه طی هفته گذشته، تنها تا روز پنجشنبه ۲۲ تن دیگر از مردم آفریقای جنوبی بدست پلیس جنایتکار رژیم آپارتاید به قتل رسیدند، مبارزات توده‌ای علیه نژاد پرستان اوج تازه‌ای گرفته است. حرکات اعتراضی گسترده مردم بدنبال اعدام ددمنشانه بنجامین مالویز شاعر میهن پرست، سراسر کشور را گرفت.

آخرین سخنان مالویز که جمعه هجدهم اکتبر در پرتوریا به دار آویخته شد- این بود: "به همه جهان

بگویید روزی مردم سیاه حکومت خواهند کرد. همه مبارزانی که جان باختند، خود را فدای آزادی کرده‌اند. پیکار باید ادامه یابد." در نظراتی که در خمیان، شاعر خلقی آفریقای جنوبی را به بای جویه دار می‌بردند، جمعه کنفرانس، از جمله خویشاندان وی و نیز رهبران سازمان‌های دموکراتیک و ضد آپارتاید، در برابر دروازه زندان گرد آمده بودند.

مردم آفریقای جنوبی، پاسخ این جنایت را با تظاهرات دهها هزار نفری خود دادند. در کیپ تاون ۳۰ هزار نفر، مرکب از سفید پوستان و رنگین پوستان، علیه اعدام مالویز دست به تظاهرات زدند. هر کدام از شهرهای دیگر آفریقای جنوبی همچون "هانندال"، "آلتون" و "کراس رودز" نیز شاهد تظاهرات هزاران نفر از مردم بود. در پیشاپیش صف تظاهرات، پرچم کنگره ملی آفریقا حمل می‌شد.

آلفرد نزو، دبیر کل کنگره ملی آفریقا، اظهار داشت قتل بنجامین مالویز برای رژیم پرتوریا پیروزی محسوب نخواهد شد. وی افزود اعدام مالویز خشم سیاهپوستان آفریقای جنوبی نسبت به باندبوتا را باز هم افزایش داده است. نزو خاطر نشان ساخت اینک در آفریقای جنوبی، هیچ راهی جز تشدید مبارزه وجود ندارد. وی خواهان تحریم بین المللی موثر رژیم بوتاگر دید.

پیشرویه‌های تازه انقلاب پیون السالوادور

واحدهای جبهه رهایی بخش فارابوندومارتی بر علیه ارتش رژیم ارتجاعی ناپلئون دوارته در السالوادور تهاجم تازه‌ای را آغاز کردند. ایستگاه رادیویی این جبهه اعلام کرد، میهن پرستان در مشقت استان از چهارده استان کشور در حال پیشروی هستند.

نیروهای جبهه رهایی بخش، در مناطقی از کشور جاده‌ها را مسدود و خطوط انتقال نیروی برق را منهدم کردند. بدنبال یورش وسیع انقلابیون، دوارته رئیس جمهور السالوادور اعضای خانواده‌اش را به آمریکا فرستاد.

ارتش السالوادور که مجبور به عقب نشینی شده است، می‌کوشد انتقام این شکست را از مردم بگیرد.

طبق آمار رسمی کمیسیون حقوق بشر السالوادور، در ماه‌های اوت و سپتامبر، ۲۴۰ نفر به دست "جوخه‌های مرگ" و نیروهای مسلح کشته شده‌اند.

"جوخه‌های مرگ" نام گروه‌های فاشیستی وابسته به دولت السالوادور است.

آمپول کمک ۳۰۰ میلیونی تازه آمریکا به ضد انقلاب پیون افغانستان

روزنامه "واشنگتن پست" به نقل از منابع سازمان‌های جاسوسی آمریکا می‌نویسد کنگره آمریکا اخیراً به تقاضای دولت این کشور برای اعطای یک کمک ۳۰۰ میلیون دلاری جدید تسلیحاتی به تروریستهای ضد انقلابی افغانی پاسخ مثبت داده است. به نوشته "واشنگتن پست"، این کمک که ماه گذشته از تصویب کمیته ویژه مجلسین نمایندگان و سنای ایالات متحده گذشت، علاوه بر مبالغه‌سری، پیش بینی شده برای سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ است.

این کمک نه تنها برای خرید مهمات و اسلحه سبک، بلکه همچنین برای تهیه انواع جدید موشک‌های ضد هوایی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

روزنامه مزبور می‌افزاید برخی نمایندگان کنگره اظهار داشته‌اند مبالغه‌اعطایی به اشرا افغانی در آینده نزدیک از مرز یک میلیارد دلار در سال خواهد گذشت.

اخبار کوتاه

* خائیم ویلوک، وزیر توسعه کشاورزی و اصلاحات ارضی نیکاراگوئه، طی میتینگی که در شهر "ماتاکالیا" برگزار گردید، اعلام کرد تاکنون در این کشور ۸۰ هزار خانوار دهقانی صاحب زمین شده‌اند. مجموع مساحت اراضی تقسیم شده به بیش از ۱/۴ میلیون هکتار بالغ می‌گردد. در هنگام برگزاری این گردهمایی نیز میان ۶۰۰ خانواده روستایی، ۴۹۰۰ هکتار زمین حاصلخیز تقسیم شد. این اراضی به‌سورت تعاونی یا کشت خانواری اداره خواهد شد.

* هفتاد هزار کارگر کارخانه اتومبیل سازی کرایسلر آمریکا که برای امضای قرارداد دسته جمعی جدید دست به اعتصاب زده بودند، پیروز شدند. بدنبال هفت روز اعتصاب، مدیریت شرکت کرایسلر مجبور شد با خواستهای کارگران مبنی بر افزایش دستمزدها و دادن تضمین‌هایی در مورد امنیت مشاغل، موافقت کند. همچنین ده هزار کارگر شرکت کرایسلر در کانادا نیز که به اتفاق کارگران کرایسلر در آمریکا دست از کار کشیده بودند، دوشنبه گذشته پس از احراز موفقیت به اعتصاب خود پایان دادند.

* جمعه گذشته فرانس در مجمع الجزایر "موروروا" واقع در جنوب اقیانوس آرام یک آزمایش هسته‌ای انجام داد. این عمل، علی‌رغم اعتراضات گسترده بین المللی صورت پذیرفت. کشورهای حوزه جنوب اقیانوس آرام، از جمله استرالیا و زلاندنو، این منطقه را منطقه غیر هسته‌ای اعلام کرده‌اند. اما دولت فرانسه به اراده ملل و دولت‌های مزبور وقعی نمی‌گذارد. جندی پیش، یک کشتی سازمان بین المللی حفظ محیط زیست بنام "گرین پیس" بدستور سازمان جاسوسی فرانسه در آبهای زلاند نو منفرج شد. سازمان مزبور این کشتی را برای اعتراض به آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه به جنوب اقیانوس آرام فرستاده بود. ما برای کشتی "گرین پیس" وزیر "دفاع" فرانسه را اذعان به استعفا کرد.

* تاکنون دوازده نفر از دارندگان جایزه نوبل در فیزیک و شیمی به جنبش دانشمندان آمریکایی علیه طرح‌های مربوط به نظامی کردن فضا پیوسته‌اند. در یک کنفرانس مطبوعاتی در واشنگتن اعلام شد ۵۵ درصد استادان و مهندسان شاغل در ۱۴ موسسه اصلی تحقیقات فیزیکی ایالات متحده همکاری با پروژه "ابتنکار دفاعی استراتژیک" ریگان را رد کرده و تطوماری علیه نظامی کردن کیهان امضا نموده‌اند.

* مارشال سرگئی آخرومیف رئیس ستاد کل ارتش اتحاد شوروی طی مقاله‌ای در "پراودا" اعلام کرد در صورت ادامه اجرای طرح نظامی کردن فضا توسط آمریکا، اتحاد شوروی به عنوان عمل متقابل، اقداماتی در مورد سلاح‌های تهاجمی و نیز سلاح‌های فضایی انجام خواهد داد.

اسلامیسان را مورد انواع تهمت‌ها و اهانت‌ها و ناسزاها و هتک حرمت‌ها قرار داده‌اند" (از نامه بیش از ۲۰ تن از نمایندگان مجلس به خمینی)

* "حضرت امام علاوه بر تاکیدات مکرر قبلی، این بار نیز مجلس محترم را در انتخاب (انتخاب نخست وزیر) آزاد گذاشته‌اند" (نیک روش - اطلاعات ۲۰ مهر)

* "حجرت الاسلام هاشمی رفسنجانی آنگاه در خصوص آیاتی از کلام الله مجید در ابتدای جلسه، گفت: ایشان فرمودند "آیات یک طرفه بود" بالاخره اگر خدا یک طرفه حرف بزند، ما چکار کنیم؟ آن حرفی که خدا گفته خوانده شد. حالا یک آیاتی هم شما در قرآن پیدا کنید که نوشته باشد "از رهبر اطاعت نکنید" ما آنها را هم می‌خوانیم." (اطلاعات ۲۱ مهرماه)

* "امروز تعیین دولت آینده در تمام زوایای کشور تاثیر گذاشته، تا جایی که اگر قیمت جنسی را از بنکاهای معاملات سؤال کنید، جواب می‌دهند: "فعلا معلوم نیست تا ببینیم وضع دولت آینده چه می‌شود." (اضطر اسفندیار - اطلاعات ۱۲ مهر)

* "چرا کسیکه (موسی نخست وزیر) چهار سال صادقانه در رأس هیات دولت خدمت کرده ... را در افکار عمومی با طرح مسائل مبهم، تحت عنوان "معاملات با کشورهای جهان" او را مخدوش نمایند؟" (اسفندیار - اطلاعات ۱۲ مهر)

* "اگر بنا شود دولت همان بافت سابق را داشته باشد، نخست وزیر با وزیرهایش با هم نباشند و فقط به فکر خنثی کردن کار یکدیگر باشند این برای کشور فاجعه است ... وضعی که تا بحال در دولت داشته ایم، وضع خوبی نبوده، خلاصه بی رودر بایستی، خط‌بازی نباید باشد ... هماهنگی اگر نباشد، این بزرگترین بلاست، این همان فتنه است." (منتظری - اطلاعات ۲۲ مهر)

بقیه در صفحه ۱۰

مایحتاج عمومی، دادن پست‌های کلیدی به دست افرادی وابسته و غیر متعهد، و عدم مجازات خائنین به بیت المال و رواج مداخله و چاپلوسی برای بدست آوردن تائیدات و پست‌ها، استفاده از مطبوعات دولتی و رسانه‌های گروهی، به عنوان حربه سیاسی، توسط یک عده متنفذ برای کوییدن و تخریب کردن و

اثری اتمی باخبر شوند و اقدامی نکنند، رای به شایع علیه ایران و به نفع آمریکا از شعبه ۱۶ دادگاههای عمومی تهران به ریاست آقای قهرمانی می‌گیرد و این رای را از طریق اداره حقوقی وزارت امور خارجه به خارج کشور میرساند و عجیب تر اینکه از زمان اقدام تا خارج

اختلافات و درگیریهای درون حکومت از زبان خودشان

وارونه جلوه دادن حقایق و در نهایت ایجاد جو غوغا سالی، به منظور راه اندازی تظاهرات عوام‌فریبانه با مامیتی از پیش تعیین شده، و رواج شعارهای مدون سیاسی توسط باندها، همه و همه باعث ایجاد ناراضیاتی توده مردم و دل‌سرد کردنشان از انقلاب اسلامی می‌باشد. بازگو کردن همه این دردها، به خاطر تذکره به دولت آینده است." (اطلاعات ۱۷ مهرماه)

* "در اینجا لازم است از روزنامه جمهوری اسلامی که در تاریخ یکشنبه ۶۴/۷/۱۲ با چاپ عکس آقایان ریاست جمهوری و نخست وزیر در کنار همدیگر کاری خدا پسندانه شده، تشکر کنیم" (محمد امین طرفی - اطلاعات ۱۷ مهر)

* "بارها مشاهده شده که به ناطقی در حین صحبت تهمت‌های وانگ‌های وابستگی به این خط و آن جریان می‌زنند" (محمد امین طرفی - اطلاعات ۱۷ مهر)

* "ما امروز در پشت کره زمین رئیس جمهوری با مشخصات رئیس جمهور خودمان سراغ نداریم" (رفسنجانی - اطلاعات ۱۸ مهر)

* "نویسندگان و منتشر کنندگان مقاله فوق الذکر می‌خواهند در ادامه برنامه گروهکها امروز باژوان امام را قطع کنند و فردا رو در روی حضرت امام و اسلام بایستند ... رئیس جمهور منتخب امت و حتی نظام مقدس

کردن رای از کشور فقط در روز طول می‌کشد. این امر ثابت می‌کند که دست‌های بیگانه‌ای در کار بوده که توانسته است دو سازمان رایعنی دفتر حقوقی و سازمان انرژی اتمی و نیز اداره حقوقی وزارت امور خارجه را اغفال کند ... حالا سؤال اول من اینست: آیا آقای نخست وزیر در این واقع بسیار خطرناک که به حیثیت و منافع جمهوری اسلامی لطمه وارد آمده، مستقیما مسئولیت ندارد." (فهیسی کرمانی - اطلاعات ۱۰ مهر)

* "آقای نخست وزیر به عنوان رئیس مجمع عمومی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در اوائل سال ۶۲، به وزیر نفت اختیار می‌دهند که میلیاردها از بول بیت المال کشور را به ژاپنی‌ها بدهد و صدها میلیون دلار بدهی ژاپنی‌ها را به بانکهای خارجی، برعهده دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد." (فهیسی کرمانی - اطلاعات ۱۰ مهر)

* "هشدار می‌دهم که برادران عزیز نماینده مراقب تولد ما باشند و نگذارند افرادی موهوم بنام نماینده مجلس نامه‌های سرگشاده و توهین آمیز خطاب به رئیس جمهور و یا سایر مقامات اجرایی کشور بفرستند." (مهدی شاملو - اطلاعات ۱۰ مهر)

* "برگشت طاغوت‌چها و ملاکین، اشاعه رشوه خواری در ادارات و دستگاہهای اجرایی بطور گسترده، عدم توجه به قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی، کنار زدن نیروهای متعهد حزب الهی توسط مدیران غریب‌زده و منحرف، عدم توجه به کشاورزان و کارگران و کارمندان و فرهنگیان در پایه و دل‌سرد کردن خدمتگزاران به انقلاب اسلامی، عدم توجه به گرانی و گرانی‌فروشی و احتکار، توزیع ناعادلانه و غیر صحیح

خود افشاکری مهره‌های رژیم کماکان ادامه دارد. "پرده‌های مصلحت‌گرایی" برافشاده و هر یک از مسئولین و حکام، دیگران را به باد ناسزا و توهین گرفته‌اند. علیه هم دست به راهپیمایی می‌زنند، نامه‌های افشاکرانه تنظیم می‌کنند، "دست‌های مرموز" هدایت کننده باندهای رشوه‌خوار و اختلاس‌گر، از پرده بیرون می‌آیند، مسئولین مملکتی یکدیگر را متهم به تولد ورزی علیه رهبری و نظام می‌نمایند. هر یک می‌کوشد به فراخور توان و نفوذ، توشه‌ای از برای خود مهیا سازد و در عین حال در کاسه آتش دیگران خاک بپاشد. با حکم خمینی علنا مخالفت می‌شود و خمینی و منتظری، مخالفین را تهدید می‌کنند. و البته که کار از این حرف‌ها و تهدیدات بسی فراتر رفته است. گروه‌هایی از این خودافشاکرین در مطبوعات غل‌یافته رسمی نیز انعکاس یافته‌است. ساده‌انگاری است اگر آنچه درج‌راند دولتی با زتاب یافته است برابر با عق بخران حکومتی فرض شود، چه هنوز "اسرار نهان" بیشماری است که در رسانه‌های گروهی محلی از اعراب ندارند.

در ادامه آنچه در نشریه "اکثريت" شماره ۷۸ منتشر شد، به درج گوشه‌های دیگری از این اختلافات و خودافشاکرین مبادرت می‌ورزیم:

* "آیا به همین زودی کابینه تشکیل می‌شود، صلاح مملکت آنست که چند وزیر در اختیار ریاست جمهور و چند وزیر در اختیار نخست وزیر باشد و به همان روال سابق ... با صلاح در وحدت و انسجام و راست؟" (محمد صالح خرم آبادی - اطلاعات ۱۷ مهر)

* "من اعتقاد این است که دولتی سرکار بیاید - من نمی‌خواهم دولت فعلی را زیر سؤال ببرم - که تمام امکانات خود را برای تحصیل پیروزی در جنگ خلاصه کند ... دولت سالی از بین برود ... بیشترین نقش را به مشارکت مردم بدهد و دخالت خود را به حداقل برساند" (آذری قمی - اطلاعات ۶ مهر)

* "یک شرکت مهندسی مشاور آمریکایی به نام "شائون اندویلسون" هم در دادگستری ایران هم در دیوان نامه علیه سازمان انرژی اتمی ایران در مورد ۵۲۸ هزار دلار طرح دعوی می‌کند، عجب اینجاست، بدون اینکه دفتر حقوقی بین‌المللی یا سازمان

حساب بانکی:

AKSARIYAT
NO. 80
MONDAY OCT 28.85
آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701-650
DR. GERTRAUD ARTNER